

## گذار از نظریه ولایت فقیه در احکام به نظریه ولایت فقیه در دین در الگوی مدیریت دین‌شناخت راهبردی پیشرفت احمد آکوچکیان<sup>۱</sup>، زهرا نجفی<sup>۲</sup>

### چکیده

فصلی از واکاوی ایده‌ها و عناصر پایه برای شکل‌گیری نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت در عرصه‌های پیوسته اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و علمی تنقیح اندیشه، نظریه و گفتمان ولایت فقیه است. ظهور نظریه جمهوری اسلامی چشم‌انداز تازه آمد نظری - اقدامی جامع‌نگری را در انگاره مبنای خویش، درباره اندیشه و سیاست با محوریت چهار مفهوم پیشرفت، قدرت، دانش و مشروعیت؛ یعنی اصل ولایت فقیه، نوید بخشید. انگاره‌ای که اگر چه به لحاظ مضمون و هویت، پیوسته با پیشینه اندیشه و عینیت جهان اسلامی بوده است، به لحاظ ساختاری نظریه، با اندیشمندان کلان دوره دوم تاریخ فقه، از دوره میانه (سده‌های سوم تا هشتم)، تا جدید (سده‌های دهم تا دوازدهم) و تا معاصر (سده‌های سیزدهم تا چهاردهم)؛ چونان محقق کرکی تا محقق نراقی تا مقدس اردبیلی و تا میرزای نائینی و تا امام روح الله خمینی ره و نظریه‌پردازان دیگری در دوره معاصر، حضور متطور خودویژه‌ای داشته و در ذیل نظریه معاصر مدنیت و جمهوری اسلامی، مهبای ورود به کلان دوره سوم تاریخ فقه؛ یعنی عصر پیشرفت (رشد - توسعه) تفقه در دین بنیان و فقه تمدنی، است. حاصل این جریان تاریخی، با ظهور نظریه جمهوری اسلامی ایران، به طرح ایده ولایت‌مندی تفقه در احکام، در قرائت خودویژه امام خمینی ره انجامید و فقیه عادل زمان‌شناس، در رأس هرم راهبردی مدیریت نظام جمهوری اسلامی، ولی فقیه نام گرفت و نظام ولایت، در مجموعه دستگاه‌های تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر راهبردی که در راسش رهبری قرار دارد، تعریف گردید و نظام حقوق اساسی این جمهوری، بر مدار این اصل، در قانون اساسی و متمم آن شکل گرفت و نزدیک به چهار دهه، اندیشه، نظریه و گفتمان مزبور، در بوته نقد نظری و اقدامی قرار گرفته است. به درستی

<sup>۱</sup>. دانشیار و عضو هیات علمی مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)، استاد مدعو دانشگاه عالی دفاع ملی.

a-akoochekian@yahoo.com

<sup>۲</sup>. کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، پژوهشگر مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد).  
Najafi.es@gmail.com

آیا اندیشه دین‌شناخت پیشرفت و پیشرفت‌شناخت دین و به تعبیری دیگر، اندیشه ولایتمند تغییر، همین فقه در احکام، در تفسیر مرسوم پیشینی حوزوی آن، است؟ آیا ولایتمندی تغییر، از آن فقه در احکام است؟ آیا نظام ولایت فقیه، در تکمله‌های تحلیلی نظریات و تجربیات معاصر، همچنان وفادار به نقش بنیادین فقه منحصر به احکام و ظرفیت ولایت آن بر کلیت نظام اجتماعی، است؟ ریشه این نگرش مبنای بایسته، در منابع دینی کجاست و اگر آموزه‌های دین و به طور خاص قرآن کریم، حدیث آل‌البیت و اصل عقلانیت جامع، راهبر به ولایتمندی تفقه در دین‌اند، بر تاریخ تفکر دینی چه گذشت که ایده ولایت تفقه در دین، به ایده ولایت تفقه در احکام و ایده ولایت فقیه در دین به ایده ولایت فقیه در احکام فروکاهشی یافت؟ و در مقایسه با نظام ولایت فقه در احکام‌بنیان، نظام ولایت فقه در دین‌مبنا، دارای چه اوصافی است؟ مقاله پیش‌رو، ولایتمندی تفقه در دین یا ولایتمندی اندیشه پیشرفت‌شناخت دین و دین‌شناخت پیشرفت، از دیدگاه تحلیل مفاهیم، اندیشه و گفتمان نوین علوم تفسیری، به مدد بازخوانی منابع دینی، بازتحلیل می‌شود. مرز میان این دو انگاره، در حوزه نظر و اقدام توسعه‌ای تبیین می‌شود. از لحاظ نظری و مشخصاً معرفت‌شناختی، خاستگاه انگاره برگزیده، رفت و شد و نسبت به آزمون درآمده متبادل عقل، اراده، دانش و اقدام، است در این نگره ترکیبی، دانش و عقلانیت‌ها، هم از سویی مبنای اقتدار (مشروعیت و کارآمدی) و هم از سویی دیگر آیین تمام‌نمای اقتدار است.

**واژگان کلیدی: تفقه در دین، فقه در دین، فقه در احکام، ولایت فقه در احکام، ولایت تفقه در دین**

## سرآغاز

فصلی از واکاوی ایده‌ها و عناصر پایه برای شکل‌گیری نظریه اسلامی - ایرانی پیشرفت در عرصه‌های پیوسته اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و علمی تنقیح اندیشه، نظریه و گفتمان ولایت فقیه است. هر پرسشی درباره «اندیشه، سیاست و اقتدار توسعه‌ای»، در جامعه امروز ما، نیازمند گفتگوی انتقادی با گذشته با محوریت چهار مفهوم پیشرفت، قدرت، دانش و مشروعیت، است. اندیشه معاصر پیشرفت اسلامی - ایرانی و به طور خاص «اندیشه دین‌شناخت پیشرفت»، «اندیشه پیشرفت‌شناخت دین» و در برآیند انبانه‌شدگی این دو جریان متعامل اندیشه‌ای، «دانش دینی»، در مواجهه با عصر پرسش‌های جامع‌نگر حیات و تغییر و پیشرفت (رشد - توسعه) از سویی و با مقتضیات عصر انقلاب اسلامی و

بیداری اسلامی جهان معاصر مسلمانی، از سویی دیگر، پیش‌روی خویش، ضرورت اقتداربخشی جهان معاصر مسلمانی و ایرانی - در برآیند دو اصل «مشروعیت و کارآمدی» بر بنیان دو رکن «دانش و قدرت» را، دارد و بدین‌سان با عیار «اقتدار توسعه‌ای علم»، به مثابه خاستگاه اقتدار حضور دین و اقتدار ملی در جهان جدید و پیش‌رو، به عنوان اندیشه و دانشی در چارچوبه «نظریه دولت - ملت دینی» و در ادبیات معاصر نظام جمهوری اسلامی - «ولایت فقیه» در معرض سنجش قرار گرفته است. اندیشه جامع‌نگر رشد - توسعه‌شناخت دینی (تفقه در دین) و دانش جامع‌نگر رشد - توسعه‌شناخت دینی (فقه در دین)، در تعامل با مقتضیات عصر و عرصه حضور خویش و به ویژه مدنیت معاصر و از چشم‌انداز عهده‌داری پردازش اندیشه هدایت به رشد - توسعه، و در عرصه دولت - ملت و به طور خاص نظام حاکمیتی (جمهوریت) اسلامی، در دو نقشه اندیشه‌ای و دانش مبنای پیوسته؛ یعنی «نقشه جامع علم: الگوی تولید دانش معطوف به پیشرفت (رشد - توسعه)» و «نقشه جامع علمی: نقشه و الگوی دانش پیشرفت‌بنیان تحقیق و توسعه‌ای نظام حاکمیتی»، جریان می‌یابد. این دو نقشه اندیشه‌ای و دانشی، به مثابه دو رکن مفهومی و تحقق‌ی نظریه جمهوری اسلامی و اقتدار دینی است و به بیانی به مثابه دو رکن گفتمان رشد - توسعه حکمت (تفقه در دین) بنیان و نظریه دولت دینی و بالمآل نظریه ولایت فقیه است.

اکنون باید به این سؤال پاسخ گفت که جریان تاریخ فکر دینی، با وجود ادله عقلی و نقلی فراگیر اندیشه دینی بر کلیت عرصه اندیشه پیشرفت (رشد - توسعه) در دو الگوی ترتیبی و تنزیلی، چگونه راهبر به ولایت‌مندی فقه در احکام شده است و فقه در احکام مبتنی بر چه منطق و بینش معرفت‌شناخت و راهبردی، بر کرسی مدیریت فقه‌بنیان در همه سطوح راهبردی مدیریت اجتماعی و نهاد دولت - ملت نشسته است، در حالی که فقه در احکام، به مثابه عضو دانشی از منظومه دانشی هنجارهای مطلوب (دربردارنده گزاره‌های انشایی و اعتباری مربوط به ادب ظاهر)، جزئی نظام واره از یک سطح از سه سطح تحلیلی دانش فقه جامع است؛ چنانچه دانش فقه، دارای سه سطح تحلیلی معرفت‌شناخت، با عناوین تفقه در دین، فقه تشریحی و فقه در احکام است. به بیانی دیگر، فقه در احکام در پایین‌ترین و جزئی‌ترین سطح تحلیلی فقه قرار دارد و با این تعریف، سالیان متمادی، ولایت‌مند تغییر، راهبری و مدیریت فرد و جامعه گردیده است در حالیکه ولایت‌مندی تغییر، پیشرفت، راهبری و مدیریت فرد و جامعه از آن تفقه در دین است و از این‌رو است که به

دنبال بازخوانی اندیشه و دانش ولایتمند تغییر و پیشرفت به ضرورت بازخوانی نظریه ولایت فقیه و به دنبال آن به ضرورت بازخوانی نظام قانون اساسی می‌رسیم. با این توصیف باید دانسته شود که سه سطح چرایی انصراف فقه در دین به فقه در احکام و میانداری دانش مزبور و فربهی زیاده از حد آن در میان دیگر علوم معارف دین، اینک در روزگار معاصر، تنها یک پرسش معرفت‌شناسانه پسینی نیست و دانش مزبور اینک دانش بنیان نظریه مدیریت و حاکمیت اسلامی، ولایت فقیه، نظریه جمهوری اسلامی و گفتمان حاکم تحقیق و توسعه‌ای جهان معاصر ایرانی گردیده است و با پیامدهای وسیع کارکردی در سطح اقتدار توسعه‌ای و وجه انسان‌شناخت توسعه‌ای نظام، روبرو است. با در نظر گرفتن این امر که منزلت معرفت-شناختی «فقه در احکام»، بر جای خود خواهد بود؛ یعنی فقه احکام، فقه احکام است، اما در جایگاه فقه در دین قرار نگیرد و با همین رویکرد، جایگاه سیستمی حوزه‌های درونی فقه، به شایستگی دانسته و پاسداری شود. عصر انقلاب اسلامی، می‌تواند دوره گذار از کلان دوره فراوری فقاقت اجتهادی به کلان دوره فقه جامع پیشرفت و گذار از داعیه ناکارآمد توسعه‌ای فقه احکام به تفکر راهبردی فقه پیشرفت‌شناخت دین و دین‌شناخت پیشرفت، باشد. مقاله حاضر به این نکته در چهار فراز تحلیل پرداخته است و پیش روی نقد اهل نظر می‌گذارد:

اول: خاستگاه معرفت‌شناخت ولایت فقیه و جغرافیای فصل احکام‌شناخت آن: اندیشه جامع‌نگر معطوف به پیشرفت، اندیشه ولایتمدار تغییر است و فقه در دین، این سامانه جامع ادراکی و دانشی رشد است و فقه در احکام، تنها عضو نظام‌واره این منظومه ادراک و دانش رشد است و نه حوزه منحصر و نه حوزه برآیندی این منظومه؛

دوم: گذار تاریخی از رویکرد قرآنی - اوصیایی فقه در دین به اندیشه فقه در احکام و گذار به عصر بازگشت؛

سوم: تطور اندیشه ولایت فقیه در احکام، در رویکرد به اندیشه مدیریت راهبردی تفقه در دین بنیان پیش روی جهان معاصر ایرانی، در تجربه مدیریتی نظام ج.ا.ا. در این راستا. اندیشه و گفتمان توسعه تفقه در دین بنیان، یک ضرورت تاریخی دانشی، پیش روی فکر دینی است؛

چهارم: اوصاف اندیشه ولایت فقیه، در عیار اندیشه دین‌شناخت پیشرفت و مدیریت راهبردی تفقه در دین بنیان.

اهتمام به اندیشه اجتهادی فقه جامع و تأکید بر ضرورت جریان بخشی آن در نظام ملی آموزش، تحقیقات و فناوری به منظور اهداف زیر است:

- ۱- تفصیل بخشی نظام‌واره اندیشه دین‌شناختی ترقی یا نظام جامع ادراکی دین یا تفقه در دین (حکمت دینی)، به مثابه بنیان دانشی نظام مدیریت راهبردی تحقیق و توسعه ملی؛
- ۲- مشارکت در راهبری روشمند جنبش احیای فکر دینی در عصر پیش‌رو؛
- ۳- پرداخت مبنای اندیشگی گفتمان ولایت فقیه در برآیند تجربه سه دهه‌ای انقلاب اسلامی؛

۴- نظام‌دهی دانش‌محوری مبنای ورود اندیشه دین‌شناختی تغییر به فرایند ملی تحقیق و توسعه و از این رویکرد تحقق فصلی از دغدغه درون‌زایی جریان تحقیق و توسعه ملی؛

۵- نظام‌بخشی تفصیلی‌تر بخش دیگری از نظام اندیشه دین‌شناختی جامع در فرایند نظام آموزش عالی؛

۶- مشارکت و همراهی شایسته‌تر و اقدامی و برنامه‌ای دو نهاد ملی تولید دانش (حوزه دینی و نهاد ملی دانش (حوزه و دانشگاه)) در ایفای مأموریت ملی دانش توسعه‌ای - تمدنی؛

۷- تبیین علمی روش‌شناسی (چرایی و چگونگی) نظام‌دهی از سر انتخاب (اختیار خلاق) زندگی معاصر، از جمله در فرایند تحقق بخشی تمدن ایرانی - اسلامی معاصر و گذار از ورطه سکولاریستی حاکم بر بخش عمده‌ای از نظام مدیریت و آموزش عالی.

### اول: خاستگاه معرفت‌شناخت ولایت فقیه و جغرافیای فصل احکام‌شناخت آن

خاستگاه معرفت‌شناختی ولایت فقیه، کدام سامانه دانشی است؟ منطق مدیریت تغییر چه اقتضایی دارد و دیانت محمدی و در راستای آن ولایت رسول الله با تأکید بر تفسیر علوی آن و ولایت اولیای معصومین، چه آموزه‌ای پیش روی گذاشته‌اند؟ تجربه واقع شده اصل ولایت فقیه در چهار دهه عصر انقلاب اسلامی، راهبر به چه زیرساز معرفت‌شناخت اصل مزبور بوده است؟

در جهان اسلامی نیز، رخداد بیداری اسلامی معاصر در ایران و کشورهای دیگر، جامعه معاصر را با مسأله‌های وسیعی فراتر از صرف تحولات سیاسی درگیر نموده است که

دانش‌های موجود درون‌دینی چونان کلام، فلسفه و مانند آن و به طور خاص فقه در احکام، به عنوان زیرساز دانشی نظام جمهوری اسلامی، به عرصه آمده‌اند و در وضعیت موجودشان نشان داده‌اند حتی بر فرض مهیا شدن در یک سامانه جامع، نمی‌توانند دانش ولایت‌مند تغییر در تفسیر و مدیریت آن باشند؛ افزون بر آنکه همچنان فقه در احکام و اجتهاد و مرجعیت مبتنی بر آن، داعیه تکفل دانش بنیان حاکمیت، دولت - ملت و مدنیت معاصر دینی و نظام تحقیق و توسعه ملی را دارد و ناتوانی معرفت‌شناختی آن، هنوز به گونه‌ای رسمی از سوی حوزه علمی دینی و مدیریت نظام اعلام نگردیده است. نقطه سربه‌سری جنبش‌های معاصر و مباحثات درون‌معرفتی حد دانش‌های موجود، نشانه‌های ابتدائی این دوره گذار معرفت‌شناسانه را نشان می‌دهد.

با این تحلیل مقدماتی از خاستگاه معرفت‌شناختی اندیشه فقه جامع، اینکه «ساختار تحلیلی نظریه ولایت فقیه بر نظریه فقاہت و عدالت استوار است» و نیز «مدیریت تغییر بر بنیان اندیشه معطوف به تغییر شکل می‌گیرد»، توضیح شایسته خویش را می‌گیرد. این همانی یا منتج شدن گزاره دوم از گزاره اول، نیازمند توضیح تفصیلی است:

#### ۱- سه سطح معنایی گذار به زیرساز معرفت‌شناخت مدیریت تغییر

عقل و نقل بر زیرساز معرفت‌شناخت مدیریت راهبردی دین‌شناخت تغییر، در سه وجهه، تأکید می‌ورزند:

#### ۱-۱- عقلانیت توسعه‌ای، راهبر به دانش جامع پیشرفت

فقه و فقاہت، در ادبیات قرآنی و حدیثی، به معنای ادراک ژرفانگر رشد و تجربه اختیار خلاق، است. معلوم است که مدیریت جامع‌نگر تغییر، وام‌دار اندیشه و دانش معطوف به جامعیت فرایند تغییر در منظومه‌ای پیش‌رونده از گزاره‌های اخباری - توصیفی و انشایی - تجویزی، است که البته دو منبع عقل و نقل، در ساحت‌های مختلف دانش تجربی، ریاضی، کلامی، فلسفی، عرفانی و نیز تمامی ادراکات اعتباری، در حریم این حوزه دانشی حق و مجال حضور دارند. (جوادی آملی، عقل در هندسه معرفت دینی؛ ۱۳۹۱؛ صص ۲۵ تا ۲۸ و ۵۰ تا ۵۶) گفتمان توسعه‌ای اندیشه ترقی، به آخرین قرائت خویش؛ یعنی گفتمان توسعه دانش‌بنیاد انجامیده است. این نگارش می‌آموزد که مدیریت تغییر، پیشرفت و توسعه مبتنی بر چه نوع دانشی است. دانش معطوف به مدیریت تغییر، خاستگاه معرفت‌شناخت

نظام مدیریت تغییر و تحول توسعه‌ای - تمدنی است. نظام مدیریت راهبردی هر کشوری، اصلی‌ترین نظام محسوب می‌شود. خروجی این نظام، تصمیمات کلان؛ اعم از چشم‌انداز، اهداف بلندمدت، سیاست‌ها، راهبردها و در پی آن نوسازی، بازسازی و مهندسی مجدد ساختارها، متناسب با چشم‌انداز و اهداف بلندمدت می‌باشد (ناظمی اردکانی، نظام مهندسی فرهنگی، ۱۳۹۱؛ ۱۵) که به نوبه خود بر بنیان دانش کارآمد، برای مدیریت شکل می‌گیرد و به گونه‌ای مستمر بازبینی، بازخوانی و اصلاح می‌شود. در ادبیات نظام جمهوری اسلامی، اصل بنیادین این نظام؛ یعنی اصل ولایت فقیه، مبتنی بر «ولایت فقه» است. در تجربیات معاصر اندیشه و گفتمان توسعه دانش بنیان و از چشم‌انداز ایده مدیریت دانش، بر این نکته معرفت‌شناختی تأکید می‌ورزند. و نظام ملی تولید علم باید این کارآمدی توسعه‌ای را در نظام تولید دانش ملی راهبری نموده و تحقق بخشد.<sup>ii</sup>

کاستی برجسته نظام اجتماعی در حال گذار تمدنی ما، «اندیشه، گفتمان حضور در دنیای جدید و مشارکت در ساخت آن» است؛ و پرسش برجسته از منظر وضعیت امروز توسعه‌ای کشور، همانا «چیستی و چگونگی این اندیشه و گفتمان درونزای تغییر» است. جنبش معرفت‌شناختی پیش‌روی جهان اسلامی - ایرانی ناظر به این اندیشه و گفتمان، عهده‌دار پاسخ به بنیان اندیشه‌ای این پرسش است. از این رهگذر دانسته‌تر می‌شود که اندیشه و دانش دین‌شناخت پیشرفت و پیشرفت‌شناخت دین، در بردارنده نظام اندیشه‌ای و دانشی در بیان مبانی، اصول، چگونگی نظام‌سازی پویا و پایدار و روش‌شناسی پرداخت سطوح کاربردی نظام زندگی اجتماعی، است.

## ۱-۲- فقهت جامع رشد (دانش دینی)، زیرساز دانشی مدیریت دین‌شناخت تغییر

آیا فقه اجتهادی مرسوم، همان فقه اجتهادی قرآنی - حدیثی است؟ آیا فقه پژوهی قرآنی همین مشرب مرسوم است؟ اگر آموزه‌های دیگری هست، کدام است؟ و اجتهادی که باید کوشای آن باشد، کدام است؟

به مدد معتبرترین متون اصیل برای بازشناخت فقه، قرآن کریم، می‌آموزد که «... فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ».<sup>iii</sup> در روایات اولیای معصومین (ع) نیز فقه و حتی تفقه در دین، دارای میدان گسترده‌ای، همپای تعریف قرآنی آن است؛ از آن جمله: این کلام رسول‌الله (ص) که: «مَنْ

يُرِدُ اللهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهَهُ فِي الدِّينِ» (کراچکی، کنزالفوائد، ۱۴۱۰؛ ۲؛ ۱۰۸)، امام صادق (ع): «إِنَّ مِنَ الْفِقْهِ عِرْفَانَ الْحَقِّ» (همان، ۱۵؛ ۱۲۱) و نیز: «إِذَا أَرَادَ اللهُ بَعْدَ خَيْرًا يُفَقِّهَهُ فِي الدِّينِ وَ يُلْهِمَهُ رُشْدَهُ» (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴؛ ۱؛ ۱۷۷) و نیز: «تَفَقَّهُوا فِي دِينِ اللهِ فَإِنَّ الْفِقْهَ مِفْتَاحُ الْبَصِيرَةِ وَ تَمَامُ الْعِبَادَةِ وَ السَّبَبُ إِلَى الْمَنَازِلِ الرَّفِيعَةِ وَ الرَّتَبِ الْجَلِيلَةِ فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا» (همان، ۱۰؛ ۲۴۷).

از این نمونه آموزه‌ها در می‌یابیم: «تفقه در دین» نظام ادراکی روشمند (مبتنی بر منطق استنباط) پیشرفت (رشد - توسعه) شناخت دین (به مثابه منظومه‌ای کامل از آموزه‌های راهبرنده به آرمان رشد: «یهدی الی الرشد»<sup>v</sup> تا بالاترین سطح خودتوانمندی تغییر: «یهدی للتی هی اقوم») و دین‌شناخت پیشرفت (در وجوه نظام واره فرایند رشد - توسعه)، قابل استنباط از دو منبع عقل جامع (شهودی، تجربیدی، نیمه تجربیدی و تجربی و اعتباری) و نقل (وحی و سنت آل‌البیت) که نظر به قابلیت راهبردیش (جریان راهبردی در مقتضیات نو به نو شونده زمان - مکان) به راهبری راهبردی مصلحانه (انذار) آینده‌نگر و آینده‌نگار نظام زیست فردی، اجتماعی (در سطوح ساختاری و کارکردی) و تمدنی تا سطح خودتوانمندی خودآگاه و خودخواسته حکمت - عدالت بنیاد جامعه و آحاد انسانی آن برای خودبانی از هویت و کیان‌گویی تکاپوی رشد - توسعه‌ای خویش (حذر)، دست می‌دهد.<sup>v</sup>

تعریف یادشده، چشم‌انداز آغازین و تازه‌ای پیش‌روی مباحثات نوین معرفت دینی‌شناسی و به طور خاص فقه‌شناسی، اندیشه مدیریت راهبردی، گفتمان درونزای توسعه دانش‌بنیان، اندیشه مبنا‌ی جمهوری اسلامی و اصل ولایت فقیه، می‌گذارد:

۱- گستره اصیل میدان معنی‌شناختی واژه فقه، در آموزه‌های قرآنی و حدیثی همان تفقه و فقه در دین است. که به فقه اکبر در ادبیات پیشین دین‌پژوهی و فقه جامع در ادبیات این قلم و بسیاری از اهل نظر<sup>vi</sup> موسوم است. این نکته معرفت‌شناخت به تفصیل در نگاشت ادراکی نقشه جامع علم، حاجتمند تبیین است. بدین‌سان، تعبیر فقه جامع همان فقه در دین<sup>vii</sup> و به تعبیری دیگر تعریف فقه در دین به فقه جامع یک جعل اصطلاح جدید و مستحدث نیست و به معنای عامی، شامل اصول اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، حقوقی، قضایی، فروع عملی و دیگر ابعاد معارف دینی، است.<sup>viii</sup>



۲- این وسعت کمی و کیفی تفقه در دین، به مثابه فهم ریشه‌دار در متن زندگی، سطوح تحلیلی اندیشه رشد فقه جامع اجتهادی و نیز گذار از اندیشه ولایت فقیه در احکام به ولایت فقیه در دین و نیز گذار معرفت‌شناختی فقه در خویش، اشارت می‌کند؛

۳- این نکته‌ها خود به تفصیل در نگاشت ادراکی نقشه جامع علم و نقشه جامع اندیشه و دانش دینی، مورد توجه است؛ ضمن این که این نکته دقیق مد نظر است که فهم فلسفی - کلامی، همچنان که فهم ارزش داورانه، همچنان که فهم تجربه‌پذیر توسعه‌ای، همچنان که فهم احکام چنانچه با روش‌شناسی و مسأله‌شناسی دین‌شناختی، راهبری شود هرکدام اضلاع نظام‌واره آن تفقه جامع یا تفقه در دین و آن فقه جامع یا فقه در دین است؛

۴- اینها که گفته شد، می‌آموزند که گستره تحول و توسعه‌ای علوم دینی و اسلامی، همانا تفقه در دین است و نه انصراف تاریخی آن به شناخت احکام و به هیچ عنوان توسعه در مفهوم اراده نشده است. این توسعه تخصصاً در واژه تفقه در دین (درونزا: در متن میدان معنی‌شناختی واژه: ذاتی) وجود دارد و نه تخصیصاً (یا بالعرض: به ضرورت بیرونی یا برونزای حضور در مناسبات دولت - ملت دینی در مثل تلقی موجود حوزه‌های علمی دینی و حاکمیت و نظام حقوق اساسی موجود). کافی است نسبت عضو سیستم با کلیت سیستم را در میانه نسبت تفقه در احکام با تفقه در دین و فقه احکام را با فقه در دین، عنایت نمود؛

۵- «تفقه در دین» سامان و نیز نظام جامع ادراکی رشد است و شامل سامانه جامع ادراکات حضوری، حقیقی و اعتباری معطوف به فرایند پیشرفت (رشد - توسعه) و به این قرار، علوم و دانش‌های برآمده از تکاپوی آنها است. روش‌شناسی پیشرونده و پسرونده پردازش الگوی پیشرفت، دو منظومه گزاره‌های حقیقی و اعتباری را از سطح مبانی نظری تا الگوی وضعیت مطلوب تا الگوی سطوح کاربردی توسعه‌ای را در چارچوبه این منظومه ادراکی رشد، سامان می‌بخشند.

نکته‌ای که گفته آمد و کراراً این قلم در مواضع مختلف بر آن تأکید دارد، بهره‌های معرفت‌شناختی عظیمی دارد. برخی از آنها در این مقام به قرار زیر است:

۱- فقه در دین اگر فهم جامع‌نگر جریان رشد دین‌شناختی است، دارای فصول فهم فلسفی - کلامی، فهم اخلاقی، فهم روان‌شناختی و از جمله فهم قاعده‌های کلی حاکم بر رفتار و مانند آن است. هر کدام از خرده معرفت‌ها و خرده دانش‌های یاد شده، وجهی نظام‌واره از جریان رشد را در چشم‌انداز شناخت قرار می‌دهند. در این میان، شاخصه

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

برجسته همه این دانش‌های خرد، وجه دین‌شناختی آن است که البته منافاتی با علوم و معارف بیرون دینی برآمده عقلانیت مستقل بشری و یا مکتب‌های دیگر زیستی و دین‌شناختی ندارد؛

۲- تفلطن به این نکته نیز شایسته است که متکی بر خاستگاه معرفت‌شناختی اندیشه و دانش دین‌شناختی رشد یا تفقه در دین، مرز میان اندیشه و دانش دینی با اندیشه و دانش جهان مسلمانی معین می‌شود و بایستی میان این دو جریان شناختی و دانشی، تفکیک قائل بود. این به آن معناست که لزوماً آنچه در فلسفه مزدوج اسلامی یونانی - سنیوی و فلسفه مزدوج ایرانی، یونانی، اسلامی و اشراقی، آمده است، لزوماً این همان با آموزه‌های درون‌دینی نمی‌باشد. توضیح این نکته، مجال تفصیلی بلندی می‌طلبد؛

۳- درونزایی رشد - توسعه ملی، بر بنیان این فقاقت اجتهادی جامع تربیت انسانی، تغییر اجتماعی و تحول تمدنی و از موضع مدیریت راهبردی فرایندها، سازوکارها و کارکردها، در تمامی لایه‌های الگوی پیشرفت و در تمامی سطوح نظام و ارکان مدیریت راهبردی، قابل گفتگوی مقایسه‌ای با الگوهای رقیب جهان جدید جاری است؛

۴- توسعه و تحول علمی چون علم کلام، علم فلسفه، علم روان‌شناسی در چارچوبه نگاشت دانشی نقشه جامع علم، راهبری می‌شود که سطح درون‌دینی آن در نقشه جامع دانش دینی، مورد توجه قرار می‌گیرد تا منظومه معارف درون‌دینی سامان بخش دانش مبنای مدیریت راهبردی پیشرفت را، به دست دهند؛

۵- یک بهره بزرگ دیگر، ظرفیت دانشی نظام‌سازی، در روش‌شناسی تفقه در دین است که می‌تواند میان سه سطح یادشده تحلیلی تفقه در دین و در نسبت میان ابواب مختلف ادراکات حقیقی و اعتباری، بتوان به انواع نظام‌های فکری، تربیتی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی، قضایی، جزایی و مانند آن، دست یافت؛

۶- نظام‌سازی‌های یادشده تغییر، یک امر جاری‌ست و به تناسب مقتضیات زمان - مکان به گونه‌ای مستمر، تکمیل و متمیم می‌شوند. امری که اصلی‌ترین مأموریت نظام ولایت فقیه است؛

۷- مدیریت راهبردی، ضلع تحلیلی کاربردی فقاقت اجتهادی پیشرفت‌شناخت، دانش تدوین، اجرا و ارزیابی تصمیمات وظیفه‌ای چندگانه نهاد مدیریت کلان ملی، در سه مرحله تدوین راهبرد، اجرای راهبرد و ارزیابی راهبرد، برای دستیابی به هدف‌های بلند مدت است؛

۸- در نظام جامعه اسلامی، عنصر محوری، دستگاه ولایت بوده و راهبری همه زیرنظام- های جامعه، بر عهده این عنصر محوری است. چنین عنصر محوری است که می‌تواند نظام را استوار و پویا سازد. <sup>۱</sup>X خاستگاه معرفت‌شناخت اصل ولایت در عصر غیبت، همان فقاهت اجتهادی است. اجابت فراخوان فهم آن خواندنی حکیم، است. در این چنین نظام ولایت فقاهت جامع اجتهادی، ولی فقیه یا رهبری نظام در دستگاه ولایت یا نظام مدیریت راهبردی کشور، رأس هرم راهبردی نظام تلقی می‌شود.

### ۳-۱- تجربه تاریخی راهبری در عصر انقلاب اسلامی

تجربه چهار دهه انقلاب اسلامی در پردازش نظریه دولت - ملت و در پردازش نظریه مدنیت و جمهوریت اسلامی، آیا آموزه مغفولی در مبانی معرفت‌شناختی خویش، داشته است؟ تدقیق در خاستگاه معرفت‌شناختی فقه یا فقه‌شناختی در اندیشه مبانی نظام جمهوری اسلامی، پرسش‌های تحلیلی‌تری را با خویش به همراه آورده‌اند: دانش فقه چه نسبتی با منظومه کلان آموزه‌ها و دانش‌های درون‌دینی دارد؟ دانش مبانی مدیریت تحول یا «نظریه دولت» دارای چه منظومه معرفتی است؟ اگر دانش مبانی تحول در چارچوبه نظام علوم، تحقیقات و فناوری و نهاد ملی تولید دانش، شکل می‌گیرد، کلیت نظام و نهاد مزبور بر مبانی چه منظومه معرفتی و دانشی بایستی راهبری شوند؟ آیا احراز عدم مخالفت با احکام شرع مقدس، برای مدیریت نظام کافی است؟ حوزه‌های دانش دینی، متکفل چه منظومه معرفتی برای مدیریت نظام هستند و دانش فقه در این منظومه چه جایگاهی دارد؟ اصل امامت، از سویی ریشه در اندیشه جهت‌بخشی توحیدی حیات دارد و از سویی دیگر خاستگاه کلامی و اندیشه‌ای نظریه ولایت فقیه است. در ادبیات فقهی شیعه، مکرر عناوینی چونان: نائب الامام، نائب عام، نائب الغیبه و ... برای فقیهان ذکر شده است. عناوینی که به صراحت، ناظر به نقش امتدادی ولایت فقیهان، برای اندیشه امامت، است. هم‌چنین واژه «حاکم» که در فقه شیعی، مکرر کاربرد داشته و دارد و از کتاب «طهارت تا دیات»، در ابواب و مسائل گوناگون از آن یاد شده؛ با عنوان «فقیه» پیوند یافته است. محقق کرکی (م. ۹۴۰ ه.ق.)، فقیه آغاز عصر صفوی، بر آن است که کاربرد «حاکم» در فقیه عصر غیبت، معنایی جز فقیه جامع‌الشرایط ندارد (محقق کرکی، ۱۴۱۴؛ ۱۱؛ ۲۶۶) و شهید ثانی (۹۱۱ - ۹۶۵/۶ ه.ق.) آن را اجماعی فقیهان می‌داند و می‌نویسد: «و المراد بالحاكم حیث یطلق فی

ابواب الفقه، الفقیه الجامع الشرائط للفتوا، اجماعاً». (شهید ثانی، ۱۴۱۳؛ ۴؛ ۱۶۱) این موارد و تعبیرات، که بس فراوان و گسترده‌اند، در تاریخ فقه شیعه ممتد و پر سابقه‌اند. اما بی‌تردید نظریه ولایت فقیه در فقه شیعی، با حسن سلیقه و تکثیر ادله مرحوم ملا احمد نراقی (۱۱۸۵ - ۱۲۴۵ ه.ق.)، فرم‌بندی تازه‌ای یافت. این فقیه برجسته دوره قاجار، در تبیین قلمروی اختیارات فقیه، به دو گونه از اختیارات اشارت می‌کند. در بخش اول، مطالب زیر را یادآور می‌شود: «تمامی اختیارات و از جمله ولایت که پیامبر و امام دارند - آنان که حکمرانان مردمان و مرزبانان دیانت‌اند - فقیه نیز برخوردار از آن است مگر در موارد خاص». (نراقی، ۱۴۱۷؛ ۵۳۸)<sup>x</sup>

### ۳- فقه احکام در منظومه اندیشه فقه جامع (تفقه در دین)

متن مکتب، دارای قوانین ابعاد رشد است:

الف: احکام فلسفی که مربوط به شناخت انسان، هستی، جهان، حقیقت آفرینش و رابطه آن با خدا و انسان است؛

ب: احکام ارزشی، اخلاقی و ایمانی که بیانگر آن است که انسان از نظر صفات، خلیات، قلبیات و روحيات چگونه باید باشد؛

ج: احکام عملی:

- کلی که نوع گفتار، کردار و رفتار انسان را در رابطه با خویشتن، خدا و دیگران مشخص می‌کند؛

- جزئی و توصیفی که برخورد موضوعی با مصادیق موضوعات احکام کلی دین را معلوم می‌دارد.

فقه در دین شامل همه این است: شناخت همه این احکام تا مرحله عمل به این شناخت، یعنی تصور و تصدیق درست از اندیشه، گرایش و عمل دینی.

فقه در احکام، زیرمجموعه و عضوی از سیستمی از فقه، در تمامیت دین است، همراه با دیگر بخش‌های این معرفت شامل دینی. بنابراین اصطلاح فقه در احکام، عبارتست از فهم دقیق و استنباط مقررات عملی و احکام و دستورهای عملی اسلام از منابع و مدارک تفصیلی مربوط به آنها.

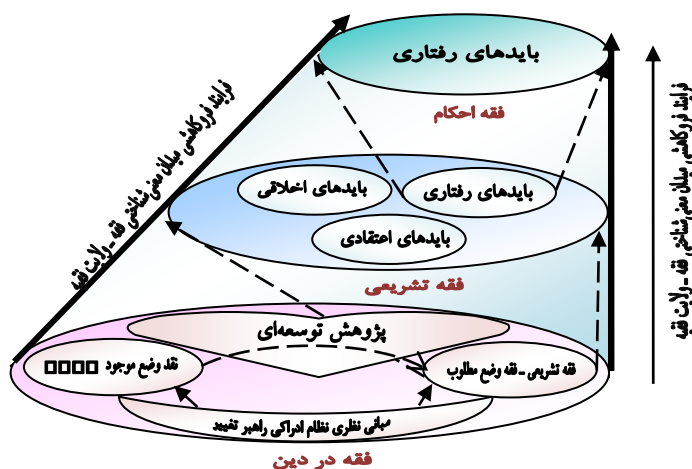
در علم فقه احکام، کار فقیه تعیین تکلیف عملی هر حادثه در زندگی انسانی و اجتماعی است و موضوع آن احکام شرعی و یا وظایف عملی از نظر استنباط از ادله است و درست‌تر بگوییم؛ موضوع علم فقه، «احوال مکلفین از نظر اینکه متعلق به حکم اقتضایی یا تخییری» و به تعبیری دیگر «فعل انگیزشی مکلف و یا اشیاء و امور و عناوین» است. این عناوین یا عناوین مستنبطه هستند که شارع خود بیان فرموده است؛ مثل صلوه که موضوع امر «صل» است و یا عناوین عرفی است که تشخیص آن به عهده عرف است و یا عناوین تخصصی که تشخیص آن به عهده کارشناس اسلامی است.

در تعریف بایسته و شامل فقه در احکام می‌گوییم: فقه در احکام عبارتست از: دانش استنباط قوانین کلی رشد انسانی و رشد اجتماعی و روابط این احکام و قوانین کلی اسلام، از منابع تفصیلی وحی و سنت و هرچه کاشف از کلام وحی باشد، با روش و منطق معروف به اصول استنباط یا اصول علم فقه، قلمرو این احکام و روابط احکام تمامی ابعاد عملی جریان رشد و مجموع تناسبات انسان با خویش، با خدا و دیگران است.

فقه در احکام، جریان استنباط قوانین کلی عملی و احکام کلی بعد عملی جریان رشد انسان و جامعه است.

سطوح تحلیلی فقه جامع، دارای سه لایه کل به جزء تفقه در دین، فقه تشریحی و فقه احکام است. اندکی دقت روشن می‌دارد که تعبیر «اندیشه فقه جامع اجتهادی» از سه سطح یادشده، دارای ماهیت لابشرط مقسمی (کلی طبیعی: نسبت کل و جزء) است. تحلیل سطوح جزء به جزء یک حوزه، به معنای آن است که یک سیستم، جامع تعریف شده و در هر سطح، سطوح زیرسیستمی آن سطح بیان می‌شود؛ به این قرار به سادگی منقح می‌شود که:

۱- اندیشه فقه جامع اجتهادی، همان تفقه در دین است و «تفقه در احکام»؛ جریان استنباط روشمند قوانین کلی حاکم بر فرایند رشد، در سه عرصه و حرکت فردی، سازمانی و اجتماعی و در نظام جامع زیست شهروندی است. «فقه جامع»؛ دانش دین‌شناختی پدیدار انسانی، در تبوتاب رشد است و «فقه در احکام»، استنباط قوانین کلی حاکم بر این فرایند است؛



الگوی تحلیل نسبت ولایت فقه احکام با ولایت نظام جامع ادراکی تفقه در دین

۲- فقه تشریحی در کنار سه حوزه نقد وضع موجود، پژوهش توسعه‌ای و راهبردی، یک عضو سیستمی از تفقه در دین شمرده می‌شود؛

۳- و در عرصه فقه تشریحی که خود شامل فقه بایدهای رفتاری، فقه بایدهای اعتقادی و فقه بایدهای اخلاقی است، فقه بایدهای رفتاری، عضو زیرسیستمی فقه تشریحی دیده می‌شود.

جایگاه فقه در احکام یا فقه اصغر، در گستره سامانه جامع اندیشه رشدنگر دینی یا تفقه در دین، هم از سویی در نسبت با کلیت اندیشه رشد - توسعه و هم از سویی دیگر در نسبت نظام‌واره با دیگر معارف دینی و کارکرد آن از سویی دیگر در پردازش الگوی پیشرفت، فراخوان به این نکته روش‌مند معرفت‌شناسانه است که دانش مزبور علی‌رغم آن ظرفیت عظیم پیشینی خویش، با وضعیتی که همچنان بر ساختار عمومی موجود آن حاکم است، ظرفیت عینی مشارکت نظام‌واره بایسته در مدیریت رشد - توسعه را نیافته است. «تفقه در دین»، سیستم بالاسری فقه تشریحی و فقه تشریحی سیستم بالاسری فقه احکام است. این سه، نسبت کل به جزء دارند و نه تقسیم ساختاری یکدیگر و البته باید دانسته شود که «تفقه در دین»، نظام ادراکی مبنای تحلیل خاستگاه معرفت‌شناختی فقه در احکام، است.

تعریف سه وجهی تفقه در دین، به مثابه گستره دانشی مبنای مدیریت راهبردی تغییر - پیشرفت، چند نکته معنی‌شناخت را می‌آموزد:

۱- «تفقه در دین»، کاوش و جریان اندیشه‌ای و پژوهشی‌ای رشدنگر و به تعبیری؛ فهم راهبری به تغییر، تحول و کنش تاریخی رشدیابنده، است؛  
۲- اصل نظام‌وارگی در مجموعه و کلیت سیستماتیک آموزه‌های دینی، ملحوظ ناگزیر نظر است؛

۳- ریشه‌دار در همه عرصه‌های ادراکی و تا اوج جریان فهم، آگاهی، سطوح شناخت و تا گسترده‌ترین و ژرفترین لایه‌های حیات انسانی؛  
۴- اندیشه راهبردی جامع‌نگر پیشرفت و از منظر آموزه‌های نظام‌واره دین، فراتر از اکتفا به حوزه شناخت‌های هنجاری، شامل شناخت موضوعات، فرایندهای در حرکت، پدیدار حیات و اراییه رهیافت‌های راهبری رشد انسانی - اجتماعی را مبتنی بر مبانی معین پارادایمی و نظری، است؛

۵- خاصه اندیشه دین‌شناخت راهبردی، فقاقت منجر به انذار و اصلاح و تدبیر توسعه ای (حرکت از وضع موجود به سوی وضعیت مطلوب)، است که زمینه ساز گرایش خودآگاهانه و ارادی و خودتوانمندانه جامعه و آحاد انسانی آن به بلوغ روانشناختی و جامعه شناختی خود بوده و به پاسداری خودتوانمندانه عدالت‌بنیاد (لعلهم یحذرون = ليقوم الناس بالقسط)<sup>xi</sup> از کیان ایمانی خویش دست می‌یابد.

خاستگاه فرایندهای مهندسی فکر دینی، «تفقه در دین» است. شناختی این‌گونه می‌تواند بنیان معرفتی، شناختی و اندیشه‌ای مدیریت راهبردی نظام اجتماعی باشد. نظریه ولایت فقیه، همانا مدیریت توسعه‌ای تفقه در دین مدار است.

## دوم: چرایی تاریخی گذار از اندیشه فقه در دین به اندیشه فقه در احکام

علل و دلایل تاریخی گذار فقه در دین به فقه در احکام چیست؟ انصراف ولایتمندی فقه، از فقه در دین، به فقه در احکام، برآمده از چه پیشینه معرفت‌شناختی است؟

### ۱- گذار تاریخی شکل فقهی در گستره معرفت‌شناختی خویش

تبیین بنیان دانشی و معرفت‌شناخت اصل ولایت فقیه، قلمرو و ژرفای دانشی فقه جامع، چرایی ضرورت دست شستن از نگره فقه‌احکامی بنیان نظری اصل مزبور و زیرساز نظری نظام ج.ا.ا. و بازگشت به فقاقت قرآنی جامع تازه‌طرح‌شدگی آن، از جمله، در گرو

بازخوانی تاریخ تطور اندیشه فقه است. از سده‌های متمادی به دلیل حاکمیت تفکر عنصرنگر در عرصه فاهمه معرفت‌شناختی متفکران مسلمان، آن رویکرد جامع‌نگر «تفقه در دین- شناخت»، مقهور قلمرو معنایی «تفقه در احکام»، بوده است و معنای اصطلاحی فقه، به تدریج به قلمرو معنایی فقه در احکام منصرف شده است. تجربه انقلاب اسلامی و در ذیل آن آزمون چهاردهه‌ای تجربه ظرفیت معرفت‌شناختی فقه در احکام - یعنی یک تجربه تازه معاصر- عرصه نخبگی اندیشه‌ای و دقت معرفت‌شناختی در باب حوزه‌های شناختی، آموخت که دانش منجر به فرآیند تحقیق و توسعه و زیرساز تحول تمدنی، و نیز دولت - ملت مدرن، نمی‌تواند فقه در احکام باشد. بدین‌روی، در ضلع سوم الگوی معاصر تمدن جهان ایرانی - اسلامی و در کنار دو ضلع «انسان جدید» و «جهان اجتماعی جدید»، یعنی ضلع «علم جدید بنیان‌تغییر، رشد و توسعه»، «تفقه در دین» دیده می‌شود. از این روست که ملاحظه می‌شود: آن واژه پریشینه تاریخی، ضرورت طرح‌شدگی تازه‌ای دارد. بی‌اعتنایی به تاریخ علم فقه‌شناسی پیشینیان در نزد شیعه و معاصر بودن در نزدیکی عصر انقلاب اسلامی، شاهد بر این مدعاست.<sup>xi i</sup> این اندیشمندان ارجمند نیز برخی به ذکر اعلام فقه و تراجم رجال و طبقات فقها اکتفا نموده‌اند که نمی‌توان بر آن ادوار فقه نامید. دوره پژوهان فقهی، در معرفی دوره‌ها به مانند مراحل تشریح، تبیین، تدوین، دسته‌بندی و تنظیم، تنقیح و اصلاح، استدلال و استنباط، گسترش و تکامل، تدقیق و تلخیص، (جناتی، ادوار فقه و کیفیت بیان آن؛ ۱۳۷۴؛ ۳۵ تا ۶۲) همچنان به منطبق تحول فقه در احکام در منظومه فقه جامع و کارکرد راهبرنده جهان‌های معاصر خویش، نپرداخته‌اند.

تاریخ تحول فقه در احکام، در نسبت با فقه در دین، ماجرابی بسیار عمیق و پیچیده دارد، و این از جمله مربوط به دگرگونی شکل فقهی در طول تاریخ فقاقت است.<sup>xi ii</sup> علت مبنا آن است که «شکل فقهی»، از اول بر اساس نیازها دگرگون می‌شد. مراد از شکل فقهی مدل و الگوی کلی شناخت دین است که به هر حال از ماهیت فقه و از قلمرو حکم و شرعیت خارج است و باید آن را به صورت یک مسئله مقدماتی فقه و به اصطلاح مبانی معرفت‌شناختی فقه، مورد مطالعه قرار داد.

فقه در دین، شناخت مبانی، اصول، رویکردها، احکام نظری، احکام ارزشی و احکام عملی دین است و فقه در احکام تنها شناخت احکام کلی عملی در ادب ظاهر و به هر حال هر دو، شناخت احکام الهی هستند و همین مفهوم حکم (فراخوان جهت داری حرکت)،



عنصر باقی و واسط بین این دو مفهوم از فقه؛ یعنی فقه در دین و فقه در احکام است. نیم اشارتی از چشم‌انداز منظور نظر این تحقیق، به تاریخ تطور سامانه کلان شکل فقهی در سه کلان دوره، بیفکنیم. از رهگذر این نگرش معرفت‌شناخت به تاریخ تطور اندیشه فقه و شکل فقهی، سیر تطور اجتهاد و روش‌شناسی تولید دانش مبنای مدیریت نظام، در حوزه استنباط الگوی دین‌شناخت پیشرفت نیز، دریافته می‌شود.<sup>xi v</sup> داعیه اصلی این فراز از نظر، آن است که فقه جامع، نیازمند دوره سیصدساله زمینه‌سازی و تشریح داده‌های مدیریت تغییر، و یک دوره هزار و اندی ساله فراوری ظرفیت‌های اجتهادی خویش است تا در مثل مقتضیات زمان - مکانی جهان ایرانی با دو موج نیم‌بند تحول و گذار تمدنی پیشین خود، مهیای ورود به جریان تمدنی سوم و کاملتری در تحقق ولایتمدی فقه جامع دینی شود:

۱- کلان دوره اول: تشریح و تبویب منقول سامانه آموزه‌های رشد جامع‌نگر، در سه

فصل تحلیلی:

۱-۱- فقه در دین بر اساس وحی شروع شد و در هر دوره‌ای، در بخشی از خویش به

تفصیل رسید و در هر زمان، در یک قسمت غنی‌تر می‌شد:

- در مکه همان مسائل معرفتی و عقیدتی بود که از تفکر شروع می‌شد و به

شناخت‌ها می‌رسید، شناخت از انسان و هستی و نقش انسان در آن؛

- در مدینه به تدریج احکام و نظام‌ها تشریح شدند و قواعد اصولی آن مطرح گردیدند.

منظومه قرآنی آموزه‌های راهبرنده رشد، بدون تفکیک تصنعی و در منظومه‌ای متناظر

با واقعیت حیات و تغییر، دو الگوی ترتیبی و تنزیلی رشد - توسعه جامع‌نگر را پیشنهاد می‌کند؛

۱-۲- وحی قرآن، یک منبع فقهی دیگر را نشان داد: سنت زیستی رسول الله (ص)

در بیان الگوی نسبت‌یابی وحی و عقل جامع انسانی؛ شامل کلام، سیره (فعل و تقریر) و

سنت اولیاء و پاکان، در همان سامانه نظام‌واره معرفت، اخلاق، احکام و رویکرد مدیریتی

راهبردی معین؛<sup>xv</sup>

۱-۳- و رسول بزرگ (ص)، سنت ائمه معصومین (ع) را در همان منظومه کامل و

متناظر با موقعیت‌های راهبردی گوناگون ممکن نشان دادند که:

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارده‌بشت و خرداو ۱۳۹۳

- در زمان امام علی (ع)، در سنت حدیثی و سیره‌ای او، با نهج‌البلاغه و برخی دیگر از متون، علاوه بر دو بعد معرفتی و عقیدتی، در قسمت‌های فتوحات، غنائم، جنگ داخلی، حقوق بین الملل و فقه سیاسی؛

- در زمان امام حسن (ع)، در قسمت پنهانکاری و سازندگی و با امام حسین (ع) در قسمت عرفان و جهاد در نمونه موقعیتی عاشورا - کربلا و در زمان امام سجاد (ع) در قسمت دعا و معارف؛

- و در عصر امام باقر (ع) و امام صادق (ع)، فقه به وسعت نظری - اقدامی خود رسید و بعد عملی فقه در دین، گستردگی بایسته خود را یافت و در قسمت‌های مختلف و اصول، فروع مذهب، مسائل حکومتی و امامتی، به غنای خود رسید و در نمونه‌های راهبردی عینی، کارکرد آموزشی خویش را نشان داد؛

- و در زمان ائمه دیگر در قسمت‌های اصولی و مباحث دلیلیت، دلالت و نسبت‌های بین دلیل‌ها، وسعت گرفت و با تکیه بر اصول اربعمائه، جوامع و باور داشتن مبانی نظری مقایسه‌ای الگوی رشد جامع و قواعد کلی، به مرحله تفریع و استنباط این قوانین کلی و اجتهاد در مسائل، مبتنی بر مبانی نظری - ارزشی منقح، به دوره جدیدی دست یافت. اینک اصول و فروع منقول در شرح بر وحی منقول، تشریح، تبیین و تدوین گردیده است.

کلان دوره اول، عصر پیدایش مبادی اجتهاد و تمهید و زمینه‌سازی به کارگیری اجتهاد در منابع، در چارچوبه الگوی تنزیلی - ترتیبی قرآن کریم و سنت نبوی - علوی، است.

۲- کلان دوره دوم: شکل‌گیری گرایش تخصصی فقه در احکام، در منظومه کلان فقه جامع، از گسست تدریجی مقتضیاتی تا مهیاشدگی روش شناخت حضور در منظومه مبانی خویش است. فقه در دین، در این دوره به دلیل نیاز زمان در میدان فقاقت، در اصول عقاید و در فروع احکام، گستردگی لازم خویش را می‌یابد و در عصر غیبت کبری، هر کدام از گرایش‌های دانشی و تخصصی منظومه جامع فقاقت در دین، متأثر از عوامل مختلف درون‌ذات معرفت و عوامل روانشناختی و جامعه‌شناختی، به گسترش تخصصی و تبویب خویش، ادامه می‌دهد. از این مرحله به تدریج دوره‌های خودویژه هر کدام از این گرایش‌های دانشی، در کوران گسست‌ها و پیوست‌های پر ماجرای، قابل ملاحظه و دوره‌بندی است:

۱-۲- عصر هویت‌یابی فقه شیعه در دو مرحله مشهود:

- با اندیشمندی چونان شیخ مفید (۳۳۸-۴۱۳ ه.ق.)، در مثل کتاب «المقنعه»<sup>xvi</sup> در تکمیل مرحله تبویب، تا زمان شیخ طوسی، عصر بنیانگذاری فقه شیعی و پی‌ریزی اجتهاد است. در این عصر، اصول اربعمائه (چهار صد اصل) جمع‌آوری شد. شیخ کلینی (م ۳۲۸ ه.ق.)، کتاب عظیم «کافی»<sup>xvii</sup> را در تفسیر روای از فقه در دین، نگاشت و شیخ صدوق (م ۳۸۱ ه.ق.)، احادیث مستندات فتاوی فقهی خویش را در «من لایحضره الفقیه»<sup>xviii</sup> جمع‌آوری و تدوین نمود. فقهای این دوره مانند شیخ مفید، سید مرتضی، سید رضی و شیخ الطائفه، نه تنها با تألیف متقن‌ترین کتب فقهی، اسلوب صحیح اجتهاد را ترسیم نمودند؛ بلکه اصولاً پایه‌گذار یک مکتب معین منطق و متدلوژی فقه یا منطق استنباط گردیدند. کتاب ارزشمند «التذکره باصول الفقه»<sup>xix</sup> شیخ مفید و کتاب «الذریعه الی اصول الشریعه»<sup>xx</sup> تألیف سید مرتضی، از این عصر به جای مانده است. تدوین قواعد اصولی و عناصر مشترک اجتهاد، در این دوره است.

- و شیخ طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ ه.ق.)، «تهذیب»<sup>xxi</sup> و «استبصار»<sup>xxii</sup> را، گردآوری نمود و مرحله گسترش مسائل فقه احکام، از راه تفریع و تطبیق از راه اجتهاد را راهبری نمود که در کتاب «مبسوط»<sup>xxiii</sup> به بار نشست. کتاب‌های معتبر و کتاب «عدةالأصول»<sup>xxiv</sup> تألیف شیخ الطائفه و دو کتاب «المبسوط فی فقه الأمامیه» و «الخلافا»<sup>xxv</sup> که دومی به صورت فقه تطبیقی نگارش یافته است، مهمترین آثار فقهی این عصر است و شیخ طوسی با تألیف این دو کتاب، فقه و اجتهاد احکام عملی را، به اوج و ارتقا شایسته رسانده است.

این دوره، دوره ادامه توسعه و گسترش بعد عملی مکتب است. فقه در دین، در بخش احکام، تفسیر گسترده‌تری یافت و می‌توان ماهیت معرفت‌شناخت معینی، برای فقه در احکام، در منظومه فقه جامع، قائل شد. به‌کارگیری قواعد اصولی و عناصر مشترک اجتهاد در منابع، از این مرحله آغاز می‌شود.

۲-۲- پس از شیخ طوسی تا عهد ابن ادریس، عصر فترت اجتهاد فقهی است و این، از جمله به دلیل عظمت و مقام علمی شیخ طوسی بود که بیشتر فقها از آراء فقهی وی پیروی می‌کردند و به خود اجازه نمی‌دادند که در برابر آراء و اجتهادهای شیخ، اظهار نظر نمایند. این رکود، یکصد سال به طول انجامید تا اینکه مرحوم ابن ادریس حلی (۵۸/۵۵۵ - ۵۹۸ ه.ق.)، با همت بلند خویش، اجتهاد در فقه شیعه را بار دیگر احیا نمود. مهمترین اثر بازمانده از ابن ادریس کتاب «السرائر»<sup>xxvi</sup> است؛

۲-۳- عصر بازسازی فقه در احکام و دوره فقه استدلالی که از زمان ابن ادریس آغاز و تا عصر علامه حلی ادامه یافت، مرحله بعدی تاریخ فقه است. در این مرحله، از تحول سامانه دانشی فقه در دین، بیشتر در فصل «فقه در احکام»، پی‌گیری و بازسازی شد. فقهای بزرگ این عصر: سید ابوالمکارم ابن زهره در کتاب «غنیه»، محقق حلی (م ۶۷۶/۶۸۰ ه.ق.) با کتاب فخیم «شرایع الإسلام فی الأحکام الحلال و الحرام»<sup>xxvi</sup> و علامه حلی، هستند. استدلال در مسائل اجتهادی، در این دوره گسترش می‌یابد؛

۲-۴- اجتهاد در نزد فقه شیعه پس از علامه حلی (۶۴۸ - ۷۲۶ ه.ق.)، دوران فترت دوم خویش را، با شیب کمتری نسبت به دوره فترت اول، تا زمان علامه مجدد، وحید بهبهانی می‌سپرد. در این عصر، نهضت اخباریگری، از شتاب حرکت فقه اجتهادی، کاسته و آن را دچار رکود نسبی نمود. اگرچه چهره‌هایی چون محقق کرکی (م ۹۴۰ ه.ق.) با کتاب «جامع المقاصد»<sup>xxvii</sup> و شهید ثانی (۹۱۱ - ۹۶۵/۶) در کتاب «مسالك الأفهام»<sup>xxix</sup> رخ نمودند، معتدل‌ترین کتاب فقهی که در پایان این فترت نگارش یافته است؛ «الحدائق الناظره»<sup>xxx</sup> تألیف شیخ یوسف بحرانی است که مفصلترین مجموعه فقهی تا آن عصر است. آثار حدیثی بالنسبه منظومه‌ای چون «وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه»<sup>xxxi</sup> از محمد ابن حسن حر عاملی (۱۰۳۳ - ۱۱۰۴ ه.ق.)، «الوافی»<sup>xxxii</sup> در اصول و فروع، از فیض کاشانی (۱۰۰۷ - ۱۰۹۱ ه.ق.)، مشتمل بر همه احادیث کتب اربعه پدید آمد و «بحار الأنوار»<sup>xxxiii</sup> از شیخ محمدباقر مجلسی (۱۰۳۷ - ۱۱۱۰ ه.ق.)، کاملترین منظومه حدیثی سامانه فقه در دین، در این دوره به سامان آمد تا مبدئی منقول برای بازگشت مستند به الگوی شامل رشد - توسعه جهان معاصر اسلامی، قرار گیرد؛

۲-۵- عصر تجدید اجتهاد، رشد و تکامل فقه احکام با قیام روشن‌اندیش علامه وحید بهبهانی (۱۱۱۷/۶ - ۱۲۰۵/۸ ه.ق.)، علیه آثار منفی اخباریگری، آغازگر دوباره احیاء اجتهاد آزاد و متکی به اصول به دست آمده از مکتب فقهی اهل بیت (ع) است. بار دیگر فقه در احکام استدلالی و اجتهادی، رونق گرفت و به اوج خود رسید و این شیوه تا امروز ادامه داشته است. از جمله آثار و دانشوران فقهی این عصر می‌توان کتاب «جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام»<sup>xxxiv</sup> تألیف شیخ محمد حسن نجفی (۱۲۰۰/۱۱۹۲ - ۱۲۶۶)، شیخ جعفر کاشف الغطاء (۱۱۵۶ - ۱۲۲۸ ه.ق.) با کتاب «كشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء»<sup>xxxv</sup> و

نیز مثل ملا احمد نراقی (۱۱۸۵ - ۱۲۴۵ ه.ق.)، صاحب کتاب «مستند الشیعه فی احکام الشریعة»<sup>xxxvi</sup> را، نام برد. تکامل اجتهاد در حوزه استنباطی در این دوره چشم‌گیر است؛

۲-۶- عصر رویکرد تخصصی و گرایشی دانشی حوزه‌های درونی فقه احکام و رویکرد تدریجی به نگرش منظومه‌ای جریان فقه در احکام، در مدیریت نظام اجتماعی با مثل «مکاسب»<sup>xxxvii</sup> تألیف شیخ مرتضی انصاری دزفولی (م ۱۲۸۱ ه.ق.)، «مصباح الفقیه»<sup>xxxviii</sup> تألیف علامه حاج آقا رضا همدانی و بازخوانی روش‌شناختی‌تر دانش اصول؛ به مثابه منطبق استنباط الگوی اقدامی، با آثاری چون «رسائل» شیخ انصاری، به سامان آمد؛

۲-۷- و فصل پایانی کلان دوره دوم تاریخ فقه، با برآمدن آخوند ملاً محمد کاظم خراسانی (۱۲۵۵ - ۱۳۲۹ ه.ق.)، نامبردار می‌شود؛ مرحله‌ای که اندیشه فقهی، هویت دقیق خویش را، در مثل اثر سامانمندی چون «اللمعات النیره فی شرح تکملة التبصرة»<sup>xxxix</sup> یافته و سامان مشخصاً روش‌شناختی خویش را با مثل «کفایة الأصول»<sup>xl</sup> می‌یابد.

«مستمسک العروة الوثقی»<sup>xli</sup> اثر کم نظیر علامه بزرگ سید محسن حکیم (۱۳۰۶ - ۱۳۹۰ ه.ق.)، نمونه یک پژوهش فقهی روش‌شناخت و سامانمند این دوره است. ژرف‌اندیشی در اباحت اجتهادی در دو دوره اخیر، قابل توجه است.

حوزه دانشی فقه در احکام، پس از قریب ۱۰۰۰ سال، ظرفیت دانشی حضور در منظومه مدیریت راهبردی تغییر یا ولایت فقیه را یافته است. تطور منطق اجتهاد، مهبیای ظرفیت-بخشی به اندیشه فقه جامع اجتهادی یا فقه جامع پیشرفت است. ولایتمندی اجتهادی به این گستره، گفتمان خودویژه رشد - توسعه تفقه در دین‌بنیان را، در اختیار می‌گذارد و این گونه است که بایستی اندیشه ولایت فقیه را اصل مبنا در مدیریت هندسه قدرت دریافت.

بدین‌سان است که فقه در احکام، اکنون تواضع لازم برای پیوستگی با دیگر حوزه‌های دانشی منظومه اداری جامع رشد یا فقه در دین را یافته است. خودآگاهی معرفت‌شناخت پسینی به این رخداد تاریخی بزرگ، مقدمات ورود به دوره تازه را مهیا داشته است.

اندیشمندانی چون امام روح الله الموسوی الخمینی، علامه شهید سید محمد باقر صدر و آیت الله سید علی خامنه‌ای، به این دوره گذار تمدنی، تطفنی شایسته یافته‌اند. کلیت کاربرد اجتهاد با شیوه نوین، در چارچوبه حکومتی الگو، طلیعه گذار به کلان دوره سوم تاریخ شکل فقهی است.

۳- کلان دوره سوم: عصر شکوفایی اجتهاد فقاهتی، برآمده از کلان دوره دوم به دوره اندیشه‌پردازی تغییر و تحول تمدنی اسلام، در مقتضیات جهان‌های معاصرمانند جهان ایرانی، با فقهای بزرگی چون علامه نائینی، امام خمینی، شهید سید محمد باقر صدر، آیت ... منتظری و فقیهان نواندیشی چون آیت الله محمد ابراهیم جناتی، مقام معظم رهبری؛ آیت الله سید علی خامنه‌ای، علامه آیت الله جوادی آملی دست داده است و چندی نمی‌گذرد که کلان دوره سوم نظریه پردازی ولایت فقیه در راستای کلان دوره سوم اندیشه‌پردازی دین شناخت پیشرف و پیشرفت شناخت دین آغاز شده و ثمرات پربهای آن را به ویژه در توسعه بخش فقه سیاسی از فقه در احکام، در این چند دهه اخیر، شاهدیم. عصر اجتهاد مبنای دانش مدیریت راهبردی تمدنی هندسه قدرت جهانی، در رسیده است. نکته بزرگ عبرت آموز آنکه، فقه در احکام، پس از این تکاپوی هزارساله ظرفیت دانشی و روش‌شناختی جایگیری در منظومه دانشی بنیان مدیریت رشد - توسعه‌ای را یافته است؛ اما نمی‌تواند به تنهایی بار تمامیت این دانش را بر دوش گیرد. از این مغالطه جزء و کل معرفت‌شناسانه بایستی بر حذر بود.

امام خمینی، نماد ورود به عصر اجتهاد جامع مدیریت راهبردی تغییر جامع‌نگر است. فقه اجتهادی او، در بالاترین مرتبه استدلالی تحقیق و ژرف اندیشی ولایت‌مند مدیریت هندسه قدرت، در جهان جدید گردید. اجتهاد فقهی ایشان، با گذر از محدودیت کاربردی اجتهاد در منابع و نیز با مقاومت در برابر محصور بودن آن، در شیوه‌های چندگانه رایج و متداول در طول زمان، هم از سویی دغدغه حقیقت تفقه را داشت. فقه در احکام، در قرائت امام خمینی ره، از آن روی ولایت‌مندی تغییر داشت که در منظومه فقه جامع یا حقیقت تفقه، در میان بود. فقاقت امام راحل، فقاقت جایگیر در آن منظومه است. افول اسلام فقاقتی عصر صفویه، از جمله به دلیل نابالغی کامل تفکر فقاقتی و عدم التفات اصحاب فقه آن دوره، به نسبت نظام واره فقه اکبر و اصغر بوده است.

امروز با حضور اسلام فقاقتی (نظر - اقدام سیستمی رشدنگر) در عرصه مدیریت مجموعه مسائل انسانی - اجتماعی عصر، شکوفایی اجتهاد، دو ویژگی بارز دارد:

۱- گسترش بایسته ابواب اجتهاد فقهی، در برابر همه مسائل عصر، در ابعاد فردی، تربیتی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، کیفری و جزایی، روابط بین الملل، حاکمیتی، حکومتی و اصولاً تمامی ابواب حیات انسانی، اجتماعی، هنری و تمدنی؛<sup>xlii</sup>

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

۲- جایگیری در مدل مفهومی و عملیاتی فقه جامع اجتهادی در دین، در نسبت با مبانی نظری، دیگر وجوه الگوی وضعیت مطلوب و سطوح کاربردی تحقیق و توسعه‌ای الگوی پیشرفت. فقاقت در دین، اصیلترین بستر جریان شکوفایی اسلام فقه‌ای و اجتهاد فقه‌ای است.

نتایج مفید و ارزشمند کار عظیم امام ره، در حوزه فقه اجتهادی، در این دوره گذار عبارتند از:

۱- کلیت کاربردی اجتهاد و گسترش به کارگیری آن با شیوه نوین، در همه منابع فردی، اجتماعی و حکومتی؛

۲- گسترش مسائل و بحث‌های اجتهادی، در حوزه‌های علمی و مطرح شدن آنها در کلیه نشریه‌ها؛

۳- باز شدن باب اجتهاد به شیوه جدید؛

۴- پذیرش قانون تحول اجتهاد، بر اساس منابع، همگام با تحول زمان، مکان و شرایط آنها؛

۵- لزوم شناخت فقیه، نسبت به موضوعات و عناوین کلی در مقام استنباط؛

۶- خارج شدن فقه از حالت رکود و ایستایی و داخل شدن آن در مرحله حرکت و پویایی؛

۷- متحول شدن فقه از مسائل ذهنی، تئوری و فرضی، به مسائل عینی و خارجی؛

۸- توانایی پاسخگویی فقه با شیوه نوین اجتهادی، در برابر رویدادها به عنوان احکام اولی، بدون نیاز به عناوین ثانوی؛

۹- پیدا شدن راه حل‌های مناسب برای برخی از مشکلات، در ابعاد قضایی، حقوقی و حکومتی؛

۱۰- محکوم شدن عوام‌زدگی، جمود فکری، دید کوتاه، نظر محدود، پیش‌داوری‌های ذهنی و خودباختگی در برابر فتاوی پیشینیان، در مقام استنباط؛

۱۱- بازنگری درباره اندیشه‌های پیشینیان؛

۱۲- بازنگری در همه منابع فقهی؛

۱۳- محکومیت پیمودن راه افراط پویا و راه تفریط سنتی، به معنای باطل آنها در مقام استنباط؛

۱۴- ارائه راه‌های کارایی عقل، در مقام استنباط. (جناتی، ۱۳۸۶؛ ۳۴۶-۳۴۷)

از همین روست که با ویژگی اول اجتهاد فقهی معاصر نیز، توجه فقیه، تنها به استنباط احکام، صرف نظر از توجه به روابط احکام محدود نمی‌شود، بلکه علاوه بر استنباط احکام، روابط و سنت‌های بین احکام؛ یعنی نظام‌های اسلامی نیز باید استنباط شوند؛ یعنی همراه با استنباط احکام حقوق خانواده، نظام حقوق اسلام، همراه با احکام اقتصادی، نظام اقتصادی اسلام نیز باید در جریان استنباط فقیه قرار گیرند. نتیجه این می‌شود که فقه برای عملیاتی شدن و ورود جدی به عرصه‌های اجتماعی و حکومت به صورت جدی و نه فقط در فضای اندیشه‌ای حوزوی، نیازمند یک تحول اساسی است. که تحقیق حاضر و جوهی از این ضرورت را، در مجال اندک خویش آورده است. دو عرصه برجسته این نظر از جمله عبارتند از:

۱. توجه به نسبت فقه در احکام با فقه جامع؛
  ۲. گسترش و تحول توسعه فقه در احکام، در راستای تداوم فرآیند درونزای تحقیق و توسعه حاصل از اندیشه دینی و فقه جامع. <sup>xliii</sup>
- اکنون نوبت جمع‌بندی کلان دوره دوم رسیده است. اکنون می‌توان با توجه به نکته محوری یادشده، علل و عوامل دیگر را، که زمینه‌ساز و تا اندازه‌ای مؤثر در پیدایش این دوره بوده‌اند، در امور چندی، خلاصه کرد:
- ۱- تکامل و پیشرفت مرحله‌ای اباحت اجتهادی، از حیث آرای دقیق و نظرات عمیق، که در دوره‌های پیش، به ویژه عصر اجتهادی شیخ اعظم و پیروان مکتب او، در شیوه اجتهادی تحقق یافت؛
  - ۲- پیشرفت زمان از جهت معارف و دانش‌های مختلف که باعث پرسش‌های گوناگون و دانش‌های تخصصی شده دیگر حوزه‌ای معارف درون‌دینی و بعضاً بیرون‌دینی به طور خاص علوم انسانی، شد؛
  - ۳- پیشرفت امور زندگی، از نظر رویدادهای تازه و پدیده‌های نوین که موجب پیدایش نحله‌های گوناگون اندیشه‌ای و گفتمانی، می‌شود؛
  - ۴- پدیدار شدن حکومت اسلامی به دست توانای امام راحل که این نیز باعث پیدایش مسائل مختلفی در ابعاد گوناگون زندگی انسان و جامعه معاصر شد.



در تأثیر این عوامل و اسباب در کلیت کاربردی اجتهاد در برابر رویدادها، جای هیچ گونه تردیدی نیست. بر اساس امور یاد شده، کلیت کاربردی اجتهاد در این دوره، در برابر حوادث واقعه و رویدادهای تازه، تنها معلول مواهب و قابلیت‌های و شایستگی‌ها و آرمان‌های فردی نبوده است، بلکه برخی از عوامل یاد شده نیز در آن موثر بوده‌اند.

به هر حال در این دوره تاریخ، نقطه عطف مهمی در تحول دو امر اجتهادی بوده است:

۱- تحول اجتهاد از دایره بسیار محدود به کارگیری آن در منابع فردی و عبادی، به دایره وسیع و گسترده به کارگیری آن در منابع یاد شده و در عرصه‌های گوناگون فردی، اجتماعی و حکومتی.

۲- تحول یافتن شیوه به کارگیری اجتهاد در منابع، پیش از سنجیدن ابعاد قضایا و بررسی ویژگی‌های موضوعات به شیوه نوین و به کارگیری آن در منابع، پس از سنجیدن ابعاد قضایا و بررسی ویژگی‌های موضوعات که با تحول زمان، این امکان وجود دارد که تحول یابند.

پس در این دوره، فقه اجتهادی علاوه بر اینکه از همه مزایا و محاسن دوره‌های پیشین برخوردار است (اجتهاد توسعه یافته از ناحیه فروع، گسترش در استدلال، تکامل مرحله‌ای و تدقیق و ژرف‌نگری)، از کلیت کاربردی اجتهاد با شیوه نوین در برابر رویدادها نیز بهره‌مند است (جناتی، ۱۳۸۶؛ ۳۴۹-۳۵۰) و به تدریج، فراگیر متناسب حوزه فقه قرآنی و نبوی - علوی، می‌شود.

گذار به فقهت جامع مبنای مدیریت همه جانبه حیات معاصر، کلیت کاربردی مدیریتی و راهبردی اجتهاد در همه منابع و پایه‌های شناختی، که مربوط به فرد، جامعه و حکومت است، اهتمام نوظردازانه حضرت امام ره است تا به جایی که رویکرد او، نمایانگر آن است که تفکر فقهی و شیوه اجتهادی در مکتب وی، به حدی رسید که توانایی برخورد و به نقد کشیدن تفکر فقهی و شیوه‌های چهارگانه اجتهادی مجتهدان پیشین را، در طول تاریخ داشته و نماینده گذار به کلان دوره فقهت تمدنی پیشرفت درونزای اسلامی، در جهان مقتضیات نمونه اقلیم تمدنی ایران، باشد. با مکتب نوین اجتهادی امام راحل، اینک وارد کلان دوره سوم می‌شویم. عصر اجتهادی فقه جامع دررسیده است. راه طولانی و بسی صعب پیش روست.

## ۲- بازگشت به تفقه در دین

فقه، فهم ریشه‌دار در متن اختیار خلاق و «فقه در دین»، فهم اجتهادی روشمند نظام-واره سامانه جامع آموزه‌های دین، ناظر به پدیده حیات طیبه - حیات معقول و هدایت به رشد - توسعه همه جانبه انسانی - اجتماعی است که مستند به آن، پدیدار تغییر، مبتنی بر این حکمت بنیادین، تدبیر می‌شود. سه سطح چرایی انصراف فقه در دین به فقه در احکام و میانداری دانش مزبور و فربهی زیاده از حد آن در میان دیگر علوم معارف دین، اینک در روزگار معاصر، تنها یک پرسش معرفت‌شناسانه پسینی نیست و دانش مزبور اینک دانش بنیان نظریه مدیریت و حاکمیت اسلامی، ولایت فقیه، نظریه جمهوری اسلامی و گفتمان حاکم تحقیق و توسعه‌ای جهان معاصر ایرانی گردیده است. با در نظر گرفتن این امر که منزلت معرفت‌شناختی «فقه در احکام»، بر جای خود خواهد بود؛ یعنی فقه احکام، فقه احکام است، اما به جای فقه در دین قرار نگیرد و با همین رویکرد، جایگاه سیستمی حوزه-های درونی فقه، به شایستگی دانسته و پاسداری شود. با این نگرش، با روند به ناگزیر تخصصی شدن فقه در این دوره جدید، به وضوح ناصوابی داعیه‌ورزی ذی فنونی در همه حوزه‌های فقه، از سوی یک فقیه، دانستنی است. به درستی، بنیان فلسفه دینی این جهت-گیری تاریخی فقه، از فقه در دین به فقه در احکام، به مثابه اندیشه مبنا، در بنیان پارادایمی نظریه جمهوری اسلامی و ولایت فقیه، چیست و کدام است؟

باری، عصر حضور قرآن و بعثت مصطفای نبی (ص)، عصر بنیانگذاری مکتب اندیشه‌ای تفسیر و تدبیر جمع‌الجمعی تمامیت آموزه‌های زندگی‌ساز قرآنی است که به «تفقه در دین»، نام کرده شده است و سنت نبوی و در تفصیل آن، سنت علوی، دو سطح تاریخی، در تجربه نسبت وحی و عقل در فهم تمامیت دین، فهم تمامیت فرایند پیشرفت، تبیین آن و زندگی با آن، بوده است. هیچ کدام از حوزه‌های معرفتی معین، در منظومه جامع ادراکی رشد قرآنی - اوصیایی و الهیات جعفری، حوزه اصالت‌مندی نبوده است. کلان دوره اول، در هر دو الگوی ترتیبی (مدل مفهومی لابلشروط به زمان - مکان) و الگوی تنزیلی (الگوی بسط راهبرنده عینیت زمان - مکانی یا شأن نزولی) با حضرت قرآن حکیم، محوریت یافت و با سنت نبوی - علوی، تفصیل به سامان موزون اخباری - انشایی (دانشی - ارزشی، اقدامی) مبنا، یافت. به این قرار منظومه ادراکی تفقه در دین، اندیشه جامع‌نگر رشد، تبیین شده است. این منظومه منقول قابلیت یافته برای جریان در عقلانیت اجتهادی، دو کارکرد

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارديبهشت و خرداد ۱۳۹۳

راهبرنده توسعه‌ای (انذار) و خودتوانمندسازنده مدنی (حذر: خودبانی و قوام)،<sup>xli v</sup> دارد. گذار اجتهادی به نمونه‌ای اصیل از جزء نظام‌واره‌ای این منظومه، در کلان دوره دوم اندیشه فقه‌ای، قریب هزار و دویست سال زمان مصروف داشت تا آن واقفادگی تدریجی مسئله محور، در آغازین مراحل این کلان دوره، از آن خاستگاه منظومه‌ای، اینک و در پایان آن، به بازگشت ناگزیر مسئله محور به اندیشه و گفتمان پیشرفت دانش‌بنیان جامع‌نگر، برای تحقق بخشی اختیار خلاق زیست دینی، در عرصه‌ای فرافردی و هم اجتماعی و هم تمدنی، بیانجامد و تخصصی شدن هر کدام از حوزه‌های معارف درون‌دینی، بایستی به ظرفیت کارکرد تحقیق و توسعه‌ای آن منظومه مبنا بیانجامد و نه به فریبی ناموزون بعضی گرایش‌های درون‌دانشی و نه انصراف زیرساز دانشی نظام اجتماعی، حکومتی و حاکمیتی به یکی از این حوزه‌های تخصصی مانند فقه احکام تخصصی شده از فقه در دین قرآنی.

تجربه چهاردهه‌ای عصر انقلاب اسلامی، تجربه گذار برزخی همچنان کمتر خودآگاه شده دگردیسی معرفت‌شناخت از بینش عنصرنگر زیرساز معرفت‌شناخت نظام مدیریت راهبردی پیشرفت به نظام تازه‌ای از فهم دین‌شناخت پاسخگوی مسائل جهان معاصر ایرانی است. امام خمینی ره، مجاللی یافت تا تفکر اجتهادی آن تفقه جامع راه، در این دور برزخی گذار، نمایندگی نمود و با وارد کردن تمامی ظرفیت فکری دینی و تاریخ اندیشه دینی در عرصه‌های جمع‌الجمعی تغییر، فرصت این گذار را پیش‌رو بگذارد. آن ارجمند، خود بیان داشته که: «سلام برآنان که تا کشف حقیقت تفقه به پیش تاختند و برای قوم و ملت خود منذران صادقی شدند که بندگان حدیث صداقتشان راه، قطرات خون و قطعات پاره پاره پیکرشان گواهی کرده است». (امام خمینی، ۱۳۶۹؛ ۲۷۴)

با کلان دوره سوم که می‌تواند در فراوری آن دوره برزخی آغاز شود، عصر بازگشت به فقه قرآنی، از موضع تکاپوی عقلانیت اجتهادی در نسبت با دو منبع وحی و سنت، می‌تواند شکل گیرد. اما این بازگشت، با الزامات خودویژه‌ای روبروست. راهبردی‌ترین این الزامات، عبارتند از:

۱- در فصل دانشی:

۱-۱- پردازش نو به نوشونده منظومه‌های دائرةالمعارفی قرآن و سنت آل‌البیت مانند دو

موج پیشین تمدنی با مثل کافی و بحار الأنوار، در نمونه‌هایی مانند «الحیاء»؛<sup>xli v</sup>

- ۲-۱- اهتمام به دو سطح تحلیلی جنبش پیش‌روی معرفت‌شناختی، بر بنیان اندیشه جامع‌نگر دین‌شناخت پیشرفت، در اصل شکل‌گیری این رویکرد معرفتی درجه دوم و در شکل‌گیری بین‌رشته‌ای‌های اندیشه و دانش پیشرفت؛
  - ۳-۱- بازخوانی نقشه جامع علم، در راستای اندیشه و گفتمان پیشرفت و در کانون آن، نقشه جامع اندیشه فقه جامع پیشرفت و از همین رویکرد، بازپردازش نظام مدیریت دانش در نهاد حوزه‌های علمی دینی.
  - ۲- و در فصل مدیریتی:
  - ۱-۲- پردازش اندیشه و گفتمان رشد - توسعه تفقه در دین‌بنیان و بر این اساس اندیشه و گفتمان ولایت فقه در دین - ولایت فقیه در دین؛
  - ۲-۲- بازخوانی نظام حقوق اساسی کشور، در راستای اندیشه و گفتمان بازسازی شده ولایت فقه و فقیه جامع اجتهادی؛
  - ۳-۲- بازخوانی نقشه جامع علمی یا الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، در داد و ستد با فرایند پردازش نقشه جامع علم؛
  - ۴-۲- بازآرایی سامانه نظام مدیریت راهبردی کشور، مبتنی بر اندیشه دین‌شناخت پیشرفت، در راستای دو ضلع تبیینی نقشه جامع علم و نقشه جامع علمی و اصالت‌داری رویکرد فرهنگی در نظام مزبور.
- اینک در عصر انقلاب اسلامی و برآمدن سامانه جامع خواهانی پیشرفت، چه در عرصه فردی و اجتماعی تغییر، چه در عرصه تجربه هنر، فناوری و تجربه تمدنی و چه در عرصه تجربه زیست‌عرفانی، فقاقت جامع‌نگر اجتهادی دین‌شناخت پیشرفت و پیشرفت‌شناخت دین، می‌تواند بر منوال کلان دوره اول، دوباره بر کرسی اول رویکرد معرفت‌شناسانه و فلسفه فکر دینی بنشیند و این دیدگاه جامع‌نگر فلسفه دینی با رکن فقه‌شناخت نظریه جمهوری اسلامی، نظریه ولایت فقیه و به تبع آن، نهاد نظام حقوق اساسی موجود در مناسبات ملت - دولت را، در آستانه یک بازپردازش معرفت‌شناختی وسیعی قرار دهد. در واقع این عصر، عصر ورود به دوره مدرنیته و پان مدرنیته بشری است. بنابراین در این دوره که دوره حیات جمع‌الجمعی است، عملاً دوباره فهم جامع از دین، در حال بازگشت است و همان طور که در دوره‌ای، رویکرد فلسفه دینی اصحاب فقه و فقاقت مجال سعه فهم دینی را نیافتند، اکنون نیز همان مبانی فلسفه دینی، اجازه گسترده شدن آن را می‌دهد. از این‌رو، ما کاملاً با

یک زیست دین‌دارانه جدید روبرو می‌شویم که نیازها در آن، سبب تشکیل یک عرف جدید شده است و در چنین شرایطی است که چنانچه تصویری جمع‌الجمعی از دین ارائه نشود و بیان نشود که مجموعه الگوی شناختی اجرایی جامع تغییر، از حوزه فهم دین وجود دارد، آرام آرام سکولاریزم در جامعه پدید می‌آید، جامعه‌ای که بی دین نیست، تنها نیازی نمی‌بیند که سیاست، اقتصاد، هنر یا نیایش دینی، داشته باشد.

با این اوصاف، داعیه عمده عصر نظریه جمهوری اسلامی، این است که ما وارد دنیای جدیدی شده‌ایم که می‌توانیم از حوزه فهم دین، پاسخ دین‌شناسانه‌ای به ابعاد جامع حیات بدهیم و این بیشترین و بهترین سوغات انقلاب اسلامی، به جهان جدید است.

گذار از عصر انقلاب اسلامی به نظام مدنیت و جمهوری اسلامی، در دو بستر پردازش نقشه جامع دانش (تفقه در دین) بنیان پیشرفت و نقشه جامع پیشرفت دانش (تفقه در دین) بنیان، در حوزه‌های اجتهادی، پیش روی همت نسل تازه‌جوی نهاد ملی دانش دینی، است. در این صورت یک فصل برزخی، برای گذار از کلان دوره دوم به کلان دوره سوم پیش روست با اوصافی از جمله:

- ۱- اهتمام شایسته به موازین و معیارهایی معتبر، در اجتهاد فقه جامع؛
- ۲- روش‌شناسی و بررسی دقیق اصول و قوانین کلی که اجتهاد در آنها، برای استخراج احکام، به کار گرفته می‌شود؛
- ۳- به سامان آوری دقیق فروع اصول و مصادیق قوانین کلی و ارتباط بین آنها؛
- ۴- توجه کامل به ابعاد ادله اجتهادی از حیث شرایط زمان و مکان صدور و خصوصیت سائل و نیز جهت صدور، هم در الگوی تنزیلی قرآنی و هم در سنت اولیای معصومین؛
- ۵- اشراف شایسته بر آراء و برداشت‌های عالمان پیشین، از ادله اجتهادی؛
- ۶- بررسی ادله فقهاتی، در مواردی که دارای ادله اجتهادی نباشد؛
- ۷- توجه کامل به عناصر مشترک اصولی؛
- ۸- توجه به عناوینی که به عنوان اولی و عناوینی که به عنوان ثانوی برای احکام موضوع باشند و عدم خلط بین آنها؛
- ۹- توجه به قانون اهم و مهم و دفع افسد به فاسد؛
- ۱۰- جمود نداشتن بر عناوینی که در عناصر خاصه استنباط وارد شده است و پرهیز از دخالت دادن عوامل ذهنی و خارجی؛

- ۱۱- دقت در عناصر خاصه استنباط که در بر دارنده علل احکامند و آنها که دارای علل آنها نیستند؛
- ۱۲- همه‌سונگری و توجه به ارتباط میان مسائل زندگی فردی و عبادی و میان مسائل اجتماعی و حکومتی؛
- ۱۳- در نظر گرفتن نتایج و پیامدهای حکم استخراج شده از منابع در طول زمان؛
- ۱۴- بررسی ویژگی‌های درونی و بیرونی موضوعات احکام و سنجیدن ابعاد قضایا که تحول آنها در مقام استنباط، دارای نقش مهمی در تحول احکام شرعی و موضوعات از منابع شناخت، دارند.
- حاصل آنکه سپهر فلسفه دینی عرصه فقه، در حال دگرذیسی است که در نتیجه، در سلوک ما نیز تأثیر می‌گذارد و ما را به یک سنت و عرف تازه می‌رساند. ولایتمندی از آن تفقه در دین دانسته می‌شود و ولایت فقیه در دین، به میان می‌آید و کارکرد نهاد فکر دینی در نقشه جامع اندیشه و دانش دینی، وجه دین‌شناخت نقشه جامع علم و نقشه جامع علمی (الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت) را رقم می‌زند.
- فقه در احکام، به دلیل همین جایگاه نظام‌واره‌اش در کلیت سامانه اندیشه و دانش رشد - توسعه:
- اول: نمی‌تواند به تنهایی، دانش مبنای پردازش نظریه دولت - ملت دینی، نظریه مدیریت راهبردی تحقیق و توسعه جامع‌نگر و از این رهگذر نظریه مدنیت اسلامی، نظریه جمهوری اسلامی و ولایت فقیه قرار گیرد. اگرچه عضو نظام‌واره برجسته اندیشه مبنای رشد - توسعه و به این قرار نظریه دین‌شناخت ولایت فقیه، مدنیت و جمهوریت اسلامی، تلقی می‌گردد؛
- دوم: ظاهرانگاری برآمده از اصالت‌یابی آن، همچنانکه تاریخ دانش و حیات مسلمانان و از جمله تجربه معاصر فقه در احکام‌مداری فکر و حاکمیت و فرهنگ دو دهه اخیر کشور، بر آن صحنه گذاشته است، موجب فریبه ناموزون آن گردیده و اولین نتیجه آن دوئیت دو حوزه زیست اخلاقی و سلوک عرفانی با زیست ادب سلوک ظاهرمدار و در اوج آن، رفتار سیاسی از سویی و دوئیت اندیشه‌های نظری و اقدامی از سویی دیگر و بالأخره ناموزونی حیات فردی و اجتماعی، است.

تجربه چهار دهه عصر انقلاب اسلامی، به همراه تفتن‌های معرفت‌شناسانه افزون‌تر، از سویی به وجه پیشینی این تفتن در منابع دینی و نسبت فقه در احکام با فقه در دین، در منابع مزبور و از سویی دیگر به وجه پسینی این تفتن در تاریخ فکر اسلامی و چرایی انصراف تدریجی علم فقه در دین، به علم فقه در احکام، یک آموزه عبرت‌انگیز راه پیش‌رو آورده است که فقه، مبنای اصل امامت قرآنی - اوصیایی و ایده ولایت فقیه، فقه در احکام نمی‌تواند باشد و نتوانست که باشد. از وجه نظر فرصت‌شناسی برای علم فقه، باید فقه‌پژوهان معاصر، قدردان این مؤلفه‌های عبرت‌آموز باشند که همگان راه، آموخته است که علم فقه در احکام، علم فقه در احکام رشد - توسعه است و با انصراف رسمی از داعیه‌ورزی مبنا بودن علم فقه در احکام، برای نظریه پردازش جمهوری اسلامی، دست در کار فرآوری پیشرفت-شناخت دانش فقه در احکام باشند. فقه جامع در دین، صاحب ولایتمندی مدیریت در تغییر است. هر کدام از علوم باید که به تواضع، در جایگاه شایسته معرفت‌شناختی خویش باشند.

### سوم: تطور اندیشه ولایت فقیه تا اندیشه پیش روی جهان معاصر ایرانی

دانش ظرفیت‌دار مدیریت تغییر، تفقه در دین دانسته شد. تطور تاریخی این نگرش، اینک بیشتر معلوم است. اندیشه مدیریت دین‌شناخت تغییر، در تفکر قرآنی - اوصیایی، سه دوره تعریف به: ولایت رسول الله و امام معصوم، تعریف به ولایت فقیه در احکام و اینک و به تدریج تعریف در حال گذار به ولایت فقه در دین‌بنیان راه، در خود دارد. طرح ایده آغازین مد نظر، در مجال کوتاه این مقال، به اشارت می‌آید:

### ۱- منطق دگرذیسی پیش روی اندیشه ولایت فقیه در نظریه جمهوری اسلامی

#### ایران

انقلاب اسلامی، طلوع ظهور علم‌الاجتماعی و عینیت تحقیق و توسعه‌ای اندیشه ولایت فقیه؛ به مثابه گفتمان علوی نظریه دولت دینی و راهبری تحقیق و توسعه‌ای دین‌شناختی، در جهان معاصر است. اندیشه مزبور، پس از قرائت دوسده‌ای، پس از محقق کرکی تا محقق نراقی تا محقق نایینی، در دوره معاصر، در عرصه علم‌آگاهی، با قرائت کلامی امام خمینی ره آغاز و سپس در برخی تفسیرهای فقهی، حقوقی و نیز کلامی بسط و تفصیل یافته و در عرصه عینیت تدبیر توسعه‌ای، با قانون اساسی جمهوری اسلامی، وارد نظام حقوق اسلامی کشور شده و با قبض و بسط‌هایی، در متن اقدامات راهبردی، از منظر کارکرد تحقیق و

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

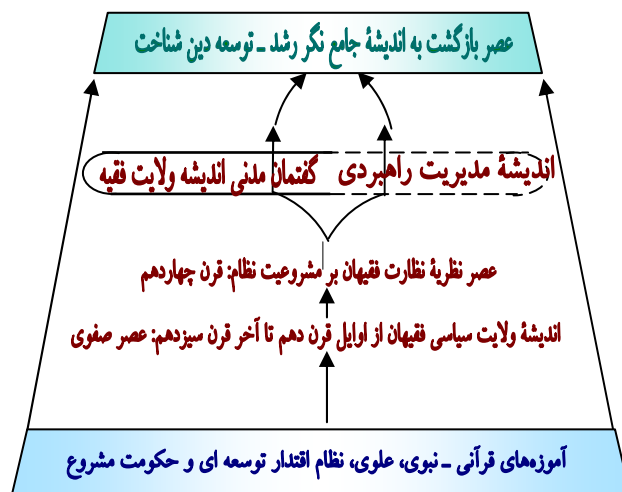
واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارديبهشت و خرداد ۱۳۹۳

توسعه‌ای خویش، دیده شده و در راهبردهای توسعه‌ای رهبری، با مباحثی چون سند چشم‌انداز توسعه در کلیت و در سرفصل‌های درونی‌تر مانند ایده نقشه جامع علمی، مهندسی فرهنگی و نقشه جامع آموزش و پرورش، در پرداخت دکترین ملی تحقیق و توسعه، تبلور یافته است. فصل علم‌آگاهی و معرفت‌شناختی این نظریه، همچنان بر سنت پیشین «ولایت فقه در احکام»، وفادار مانده است و فصل تحقیق و توسعه‌ای نیز، از شرایط و وظایف رهبری دیده شده، اما همچنان در میدان «مفهوم فقهی» وارد نگردیده است. فصل مشترک این دو عرصه، همان نظریه رهبری و وظایف رهبری در قانون اساسی است. در نسبت عمل یادشده، در بازخوانی قانون اساسی جمهوری اسلامی با غمض نظر از شرط مرجعیت در ولایت فقیه، تنها به شرط اجتهاد ولی فقیه، اکتفا گردیده است. منظر فقاهت اجتهادی، دانش استنباط قواعد کلی رفتاری حاکم بر فرایند تحول فردی - اجتماعی دیده شده است.

ورود تخصصی اندیشه تحقیق و توسعه درونزا، به میدان معنی‌شناختی اندیشه فقه اجتهادی، یک بهره برجسته در همین موج معرفت‌شناختی معاصر، در جهان دانش ایرانی - اسلامی است. رخدادهای اندیشه‌ای و اجرایی، در چهار دهه اخیر و البته با هزینه‌هایی بسیار، در ازای آنکه پرداخت آغازین تئوریک انجام پذیرفته سپس نوبت به پرداخت گفتمان مبنا در رسد و سپس به دکترین ملی تحقیق و توسعه و مبنای نظام حقوق اساسی بینجامد، فراخوان به بازخوانی معرفت‌شناختی راهبردی پیشنهادی، است.





نگاشت ادراکی نقشه راه دانش دینی، چشم‌اندازی معرفت‌شناختی است، در بازخوانی معرفت‌شناختی، بنیان اندیشه دولت دینی و گذار از تقیید تخصصی به تقیید تخصصی اندیشه دولت دینی با اندیشه فقه اجتهادی و با فصل تحقیق و توسعه‌ای اندیشه دولت. ضرورت گذار از گفتمان ولایتمندی فقه در احکام، به ولایتمندی فقه در دین، در پردازش گفتمان جمهوری اسلامی، پیش‌رو است. با توجه به نگاه معرفت‌شناختی و در راستای نگاشت ادراکی، باید بازخوانی جدیدی از نظریه ولایت فقیه ارائه شود که ولایت فقیه را از ولایت در احکام به ولایت در دین، ارتقاء دهد؛ چرا که دین، یک سیستم جامع است که فقه، جزئی از آن است و باید با کل این سیستم هماهنگ باشد.

از تبیین نگاشت ادراکی نقشه جامع دانش دینی، تبیین عناصر تحلیلی و دانش مبنای اندیشه ولایت فقیه است. یک بهره برجسته این است که تئوری‌های مرسوم ولایت فقیه بر ولایت فقیه در احکام نظر داشته‌اند. توضیح افزون‌تر آنکه:

۱- گذار از فقه در احکام به تفقه در دین؛ به مثابه اندیشه و دانش مبنای نظریه دولت دینی و گذار از ولایت فقیه در احکام به فقیه در دین، یک گذار برون‌زا و متأثر از ضرورت‌های بیرونی نیست که این دسته ضرورت‌های پیرامونی عصر انقلاب اسلامی تخصصی بر اندیشه فقه یا ولایت فقیه باشد؛ بلکه به گونه‌ای درون‌زا و تخصصی و نه تخصصیاً و مستند به مبانی اندیشه و فرهنگ جهان اسلامی - ایرانی، میدان معنی‌شناختی این دو سطح از واژگان، بازخوانی می‌شود. سطوح درون‌زای این بازخوانی عبارتند از:

۱-۱- مبانی نظری یا مبانی فلسفه دینی، مبانی معرفت‌شناختی و نیز مبانی انسان‌شناختی و بالجمله تفصیل تحلیلی از لایه مفهومی فقه و گذار از تفقه در احکام به تفقه در دین و به این قرار گذار تحلیلی از «مدیریت تفقه در احکام‌بنیان» به مدیریت «دین‌شناختی جامع‌نگر رشد - توسعه»؛

۱-۲- و نیز داخل در مبانی معنی‌شناختی تفقه در دین، دیدن فرایند تحقیق و توسعه، آن هم در راستای آن مبانی نظری، مبتنی بر الگوی مطلوب رشد و به تعبیری دیگر مجموعه سامانه‌های تعلیم و تربیتی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و جز آن. اینک و در روزگار معاصر، تصدی‌گری مدیریت ملی تحقیق و توسعه، از نظریه ولایت فقیه، به ضرورت نظام حقوق اساسی پیوند خورده است، و نه برآمده از بازخوانی معرفت‌شناختی ایده مزبور. این رخداد بلند معرفت‌شناختی، آثار عظیم نظری و اقدامی دارد که شرح و مجال دیگری می‌طلبد.

۲- تجربه عظیم و سرشار ولایت فقیه در عصر انقلاب اسلامی، دو دوره تاریخی را از سرگذرانده است که هر کدام از سطوح تغییر، چندانکه جزئی‌تری را نیز داشته است:

۱-۲- دوره اول یا عصر طرح و تثبیت آغازین نظریه ولایت فقیه و اندیشه و عملکرد راهبر فقیه انقلاب اسلامی؛ امام روح‌الله خمینی (ره)؛

۲-۲- عصر تجربه اندیشه‌ای و اقدامی راهبر معاصر انقلاب اسلامی، آیت الله خامنه‌ای.

۳- با آنچه گذشت، دریافت می‌شود که ضرورت بازخوانی اندیشه فقه‌ای مبنای نظریه دولت دینی؛ به این قرار اندیشه ولایت فقیه، یک ضرورت معرفت‌شناختی و در میدان مفهومی و معناشناختی نظریه دولت و اندیشه ولایت فقیه است و نه یک بازخوانی تخصیصی و اضطراری، در سازوکار اجرایی<sup>xlvi</sup> و حتی نظام حقوق اساسی؛ بر فرض ثابت نگه داشتن عنصرنگرانه و حصر فقاهاست به فقه در احکام و حصر ولایت فقیه به ولایت فقیه در احکام. بدین‌روی بازخوانی نظریه دولت، نه برآمده از اضطرار بیرونی، بلکه دو اصل میدان مفهومی و معناشناختی این نظریه است. این نکته که گفته آمد، تأثیر به‌سزایی در نگاشت ادراکی و معرفت‌شناختی نقشه جامع علم دارد. علم ولایت‌مند تحقیق و توسعه و جاری در نظام علوم، تحقیقات و فناوری، تفقه در دین است، نه تفقه در احکام. و نقشه جامع دانش دینی، نقشه جامع تفقه در دین است نه نقشه جامع تفقه در احکام.

در دومین دوره طرح ایده ولایت فقیه در جهان معاصر ایرانی و در اولین دوره پرسش از چیستی و چگونگی معرفت‌شناختی اندیشه ولایت فقیه به سر می‌بریم. اندیشه مدیریت تغییر، زیرساز اندیشه دولت و اندیشه ولایت فقیه است. نسبت دو عنصر تحلیلی نظام اندیشگی مزبور؛ یعنی عنصر دانش مبنا (فقاہت) و تدبیر تحقیق و توسعه راهبردی (ولایت)، چگونه است؟

ولایت به معنای حکومت و زعامت سیاسی<sup>xlvi</sup> یا حاکمیت سیاسی و تدبیر امور و اندیشه ولایت، همان اندیشه دولت، یا اندیشه دین‌شناختی مدیریت راهبردی تحقیق و توسعه، است. پرسش از ولایتمندی فقیه، در عیاری معرفت‌شناسانه، همانا پرسش از ولایتمندی فقه و فقاہت است.

### ۳- تطور اندیشه دولت دینی، در ذیل و مضمون اندیشه ولایت فقیه در احکام

با پایه‌گذاری اندیشه دولت دینی و آرای سیاسی، در سنت اندیشه‌ای معصومان (ع) تعریف شده به «اندیشه امامت» با کلام و سلوک اولیاء، پنج دوره گفتمانی قابل ملاحظه است:<sup>xlvi i</sup>

۱- دوره کمون (اندرون‌پروری)؛ از ابتدای عصر غیبت تا شروع دوران صفویه: پرداخت‌های پراکنده در تفسیر بعضی آیات قرآن کریم و نیز انبانه‌سازی روشمند و سامان‌مند احادیث معصومان (ع) و برخی ابواب کلامی (از جمله مباحث نبوت، امامت و غیبت)، از نگاه فقیهان آغاز عصر اجتهاد تا محقق کرکی، با تأکید بر تدبیر دانش‌بنیاد یا ولایتمندی دانش یا اصل دانش، مستندات ایده ولایت فقیه با تأکید بر این‌همانی قلمرو معنایی فقه و علم از جمله در منابع گردآمده حدیثی ثقة‌الاسلام کلینی و شیخ صدوق و این آموزه روشن که در آثار و منابع روایی، انصرافی از فقه جامع به فقه احکام دیده نمی‌شود. و نیز برخی از ابواب حکمت عملی (در مثل سیاست‌نامه‌ها و اندرزنامه‌ها) و بعضی گزارش‌های تاریخی، می‌توان گفت‌مان غالب شیعه را در این دوره، گفت‌مان «دوئیت‌شناسی سلطان عادل - سلطان جائر» نامید؛

۲- مرحله دوم: همپای دوره صفوی، با گفت‌مان غالب قدرت موازی «حکومت شاه شیعه - ولایت فقیه عادل»، یا گفت‌مان «امکان مشروعیت نظام حکومتی غیر معصوم»: اولین دوره رسمی نظریه‌پردازی ولایت فقیه، با فقه انصرافیافته به فقه در احکام، با حضور برجستگی

چون محقق کرکی<sup>xlix</sup> و تأکید وی بر نیابت عامه فقیه، در عصر غیبت و نیز محقق اردبیلی<sup>i</sup> با تأکید محوری بر ولایت انتصابی عامه فقیهان؛

۳- تا مرحله سوم یا اولین دوره قاعده‌مندی نظریه ولایت سیاسی فقیه (از محقق مولی احمد نراقی<sup>ii</sup> تا محقق نایینی)، یا گفتمان «قلمرو مفهومی ولایت فقیه»، در کاوش از قلمرو مفهومی ولایت فقیه به کلیت عرصه حیات و تدبیر و یا تنها بر حوزه قضاء و افتاء؛

اولین قرائت اجتهادی حکومتی عینی در این دو دوره، با عصر سلطنت و ولایت، از قرن دهم (۹۳۵ سال تأسیس حکومت صفوی) تا بیش از دو سده بعد تا عصر قاجار، با نظریه پردازانی چون محقق کرکی (م. ۹۴۰ ه.ق.) در عصر صفوی،<sup>iii</sup> در اصل مشروعیت سیاسی و مولی احمد نراقی (م. ۱۲۴۸ ه.ق.)،<sup>iiii</sup> در عینیت قلمرو مدیریتی و قلمرو ولایت فقیه، در عصر قاجار و مصادف با شروع تحولات و تازه‌شدگی پرسش‌های از اندیشه دینی با مثل مفهوم عدالت، آزادی و جنبش‌های ضد استعماری و در این راستا، شروع جنبش احیای فکر و اندیشه دینی با مثل سید جمال الدین اسدآبادی، شکل گرفت.

۴- تا مرحله چهارم؛ یعنی دوره مشروطه (از محقق نایینی<sup>iv</sup> تا امام خمینی ره): یا گفتمان قلمرو موضوعی ولایت، در اولین تعامل با مظاهر مدرنیته جهان معاصر و مدرنیسم، یا عصر «مشروطیت و نظارت»، با فقیهانی چون میرزای نایینی (م. ۱۳۵۵ ه.ق.)<sup>v</sup>، شیخ شهید فضل الله نوری (م. ۱۳۲۷ ه.ق.)<sup>vi</sup> و تا آیت‌الله سید محمد حسین بروجردی (م. ۱۳۴۰ ه.ق.)<sup>vii</sup> با گفتمان غالب «سلطنت مشروطه - مشروطه مشروع» و برآمدن و بلوغ همان پرسش‌ها و اقتضات و مفاهیم زیستی تازه بشری؛ مانند آزادی، مساوات، قانون، مشروطه، نظارت، تفکیک قوا، حقوق مردم و مانند آن، که پاسخ‌های فرا حوزه ادراکی فقه مرسوم را می‌طلبیدند و می‌توانستند چونان تجربه قرن هفده و هجده غرب، منجر به جنبش معرفت‌شناختی نظام ادراکی معطوف به ترقی، شوند؛

۵- و مرحله پنجم: دومین دوره عینیت حکومتی و تا اکنون در دو فصل، به نقطه سامان‌یافتگی و نظام‌واره‌گی نظریه ولایت فقیه برای فهم معرفت‌شناختی آن نزدیک می‌شویم:

۱-۵- فصل اول: اولین دوره برآمدن اصل جمهوریت، در پرداخت معرفت‌شناختی و قلمرو معنایی اندیشه ولایت فقیه؛

- ۵-۲. فصل دوم: ورود رویکرد تحقیق و توسعه‌ای در تلقی عملی، از اندیشه ولایت فقیه، با ابتکار رهبری معظم نظام.
- دو فصل مزبور به مدد آرای امام خمینی و دیگر آراء تا رهبری نظام در عصر جمهوری اسلامی و در دوره‌های گوناگون تطور اندیشه‌ای آن بزرگ<sup>lvi i i</sup> تا تفسیرهای فقهی، کلامی و حقوقی بر این آراء، را داریم.
- در طول این پنج دوره، نظریه‌های گوناگونی در طیفی وسیع، از نظریه سلطنت مشروطه تا وکالت مالکان شخصی مشاع برآمده است که رکن مشترک همه آن آراء، در تلقی واحد از دانش مبنای مدیریت؛ یعنی همان اندیشه مرسوم «فقه در احکام» است. در گستره‌ای از جنبه‌های کلامی تا جنبه فقهی<sup>l i x</sup> برخی نظریه‌های برجسته را مرور می‌کنیم:
- ۱- نظریه «سلطنت مشروطه» در مثل تقریر علامه محمدباقر مجلسی (م ۱۱۱۱ق)؛<sup>l x</sup>
  - ۲- نظریه «ولایت انتصابی عامه فقیهان» در مثل نظریه آیت‌الله محمد مؤمن قمی و آیت‌الله شیخ احمد آذری قمی؛<sup>l x i</sup>
  - ۳- نظریه «ولایت انتصابی عامه شورای مراجع تقلید»؛
  - ۴- نظریه «ولایت انتصابی مطلقه فقیهان» در مثل صحیفه نور امام خمینی؛<sup>l x i i</sup>
  - ۵- نظریه «دولت مشروطه (با اذن و نظارت فقیهان)» در مثل «رساله حرمت مشروطه» شیخ فضل الله نوری؛<sup>l x i i i</sup>
  - ۶- نظریه «خلافت مردم با نظارت مرجعیت» در مثل «دراسة فی سیرته و منهجه» شهید آیت الله سید محمد باقر صدر؛
  - ۷- نظریه «ولایت انتخابی مقیده فقیه» در مثل «معالم الحکومه الاسلامیه» آیت‌الله شیخ جعفر سبحانی (۱۳۶۱ هـ.ش)؛<sup>l x i v</sup>
  - ۸- نظریه «دولت انتخابی اسلامی» در مثل تقریر شهید آیت الله سید محمد باقر صدر؛<sup>l x v</sup>
  - ۹- نظریه «وکالت مالکان شخصی مشاع» در مثل «ابتغاء الفضیلة فی شرح الوسیلة» آیت الله شیخ مرتضی حائری یزدی.<sup>l x v i</sup>
- در تمام این نظریه‌ها و در تحلیل آرای یادشده، نکته‌هایی در چند فصل مشترک دیده می‌شود:

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سویی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اربدی‌بشت و خردلو ۱۳۹۳

۱- در فصل مشترک شرایط حاکم الهی در این آراء، شرط «فقاہت» لحاظ شده و «نظریه ولایت فقیه» به اعتبار همین شرط، خوانده شده است؛

فقاہت در همه تعاریف یعنی: «علم استنباط احکام شرعی فرعیه عملی از ادله تفصیلیه». (امام خمینی، ۹۶-۹۹) در «فقه» به دنبال حجت شرعی و مؤمن از عقاب، در هر مسأله هستیم. ولایت فقیه، ضمانت اسلامیت نظام است. با ولایت فقیه اطمینان می‌یابیم که هیچ خلاف شرعی در سیاست‌ها و قوانین مملکت راه نمی‌یابد؛ (امام خمینی، ۱۳۶۹؛ ۹؛ ۲۵۳)

۲- و گستره احکام فقهی، اعم از احکام فردی و اجتماعی است. بسیاری از احکام اسلامی، بدون حکومت قابل پیاده شدن نیست، لذا فقه شیعی، فقهی با مباحث حکومتی است؛<sup>lxvii</sup>

۳- و نیز اینکه فقاہت بایستی در سطوح نظام اداره جامعه، جریان یابد. در تدبیر امور جامعه و برنامه‌ریزی‌های کلان اداره جامعه، این فقه است که نقش اساسی را ایفا می‌کند و تصمیم نهایی را می‌گیرد. «ولی فقیه»، به عنوان رأس هرم راهبردی نظام، در تنظیم امور جامعه در صورتی که صلاح بداند با متخصصان، کارشناسان و خبرگان هر فن مشورت می‌کند و نظر آنان را می‌شنود و آن‌گاه بر اساس مصلحت اسلام و مسلمین تصمیم می‌گیرد. هر تصمیم سیاسی می‌باید با مبانی فقهی سنجیده شود؛ (جوادی آملی، ۱۳۶۸؛ ۱۹۸-۲۰۰)

۴- ولایت فقیه - ولایت فقاہت و عدالت است. استاد آیت‌الله عبدالله جوادی آملی آورده‌اند:

«در منابع اندیشه ولایت فقیه، مقصود از فقیه «فقیه مجتهد جامع‌الشرایط» است و جامع‌الشرایط در سه ویژگی تحلیل می‌شود: «اجتهاد مطلق»، «عدالت مطلق»، «قدرت مدیریت و استعداد رهبری»؛ یعنی از سویی باید صدر و ساقه اسلام را، به طور عمیق، با استدلال و استنباط بشناسد و از سویی دیگر، در تمام زمینه‌ها، حدود و ضوابط الهی را رعایت کند و از هیچ یک، تخطی و تخلف ننماید و از سوی مردم، استعداد و توانایی مدیریت و کشورداری و لوازم آن را واجد باشد.

بنابراین، نمی‌توان گفت هر فقیه عادل‌ی صلاحیت رهبری جامعه را دارد، بلکه باید گذشته از شرایط علمی، دارای استعداد و توانایی لازم برای اداره امت اسلامی باشد. (همان، ۱۴۰-۱۳۶)

از مجموعه نظریه‌ها و تعاریف یادشده، ساختار تحلیلی نظریه ولایت فقیه بر «نظریه فقاها و عدالت» استوار است.

نکته مبنای پیشین را مرور می‌کنیم: مدیریت تغییر، بر بنیان اندیشه معطوف به تغییر شکل می‌گیرد. فقه، دانشی معطوف به مدیریت تغییر دیده شده و اندیشه اجتهادی در این عرصه، تحلیل می‌شود. نسبت این فضای دانشی با بخش مدیریت، یک شرط عملیاتی بیرون‌معرفتی است. مقوله اجتهاد فقهی، در همین چشم‌انداز دیده می‌شود. l xvi i i

#### ۴- ولایتمندی تفقه در دین یا ولایتمندی اندیشه پیشرفت‌شناخت دین و دین-

##### شناخت پیشرفت

اندیشه، نظریه و گفتمان پیشرفت، اندیشه تفسیر و مبنای مدیریت پیشرفت است. بدین‌سان اندیشه، نظریه و گفتمان دین‌شناخت پیشرفت و پیشرفت‌شناخت دین، اصولاً ولایتمند تغییر است l xix و تفقه در دین، همان اندیشه دین‌شناخت پیشرفت و پیشرفت- شناخت دین است که تفقه در احکام، بخشی از این منظومه جامع است. از این‌رو ولایتمندی فرایند تغییر، از آن تفقه در دین است نه تفقه در احکام. این نکته تحلیلی به آسانی در یک تحقیق میدانی از نسبت علوم مؤثر در مدیریت عینیت، فقه جامع اجتهادی با کارکرد مدیریتی فقه در احکام، در چهار دهه اخیر در دسترس است. مخالفت با این نگره بیش از آنکه خاستگاه دانشی داشته باشد، خاستگاه غیر علمی دارد.

دین همان الگوی جامع پیشرفت است و احکام دین، فصلی از این الگو؛ یعنی همان احکام کلی حاکم بر فرایند پیشرفت است.

ولایتمندی فقه در دین، در نظام معاصر ولایت فقیه و مدنیت معاصر اسلامی - ایرانی، به تدریج در حال نشو و نماست. اسم آن کمتر در میان است؛ اما مضمون آن، در ژرفای آموزه‌های امام راحل و آرای راهبری محترم نظام، در عناوینی چون دکترین نظام، در سه سرفصل نقشه جامع علم، نقشه جامع مهندسی فرهنگی و نقشه جامع آموزش و پرورش و یا منظومه عناوین اعلامی سالیان اخیر، دیدنی است.

اندیشه و دانش فقه جامع اجتهادی بر کرسی مدیریت تغییر، تولید و فراوری می‌شود. بر بنیان فرایند مدیریتی دانش یا فقه جامع، فرایند مدیریت سامانه دولت تفقه‌در دین بنیاد شکل می‌گیرد. ولایت فقیه، ولایت فقیه فرد فقیه نیست، ولایت، سامانه تفقه‌در دین بنیاد





۴- اندیشه مرسوم فقه احکام (فقه اصغر)، در این فرایند (فقه اکبر) و در فصل پرداخت الگوی مطلوب، عهده‌دار استنباط بایدها و نبایدهای (احکام) رفتاری است. یک دستاورد اندیشه‌ای این فصل، آن است که فقه اصغر برای درجای خود نشینی شایسته، در عینیت فضای حیات جامعه انسانی، همواره باید پذیرای خودآگاه - علم آگاهانه - نسبت خود با فقه جامع باشد و عینیت حضور خویش را، در تداوم فرایند درونزای تحقیق و توسعه، گردن بگذارد، وگرنه بن خویش خواهد برید.

در کلیت فرایند دین‌پژوهی، جایگاه فقه احکام و در کلیت فرایند اندیشه اجتهادی، جایگاه اجتهاد احکامی معین می‌شود. این تفکیک، تفکیکی معرفت‌شناسانه است و نظریه جامع اندیشه دین‌شناختی تغییر، در این فرایند عمومی شکل می‌گیرد، که خود در سه سطح عمومی تفکیک پذیر است:

۱- سطح اول: مبانی نظری اندیشه اجتهادی؛

۲- سطح دوم: الگوی ارزش‌داورانه - هنجارین وضعیت مطلوب؛

۳- سطح سوم: فرایند تحقیق و توسعه دین‌شناختی.

در کنار اینها می‌توان، به تصحیح برداشت از ایده ولایت فقیه رسید و دانست که چگونه «تفقه در دین»، دانش جامع راهبری تغییر است و بر فرایند ترقی و الگوی پیشرفت، ولایت دارد، و نقش فقاقت در احکام، در فرایند ولایت و راهبری فرایندهای تغییر و تحول چگونه است. «ولایت فقه»، «ولایت فقه در دین» و «ولایت فقیه»، «ولایت فقیه در دین» است. پرداخت دکترین تحقیق و توسعه ملی، فرایند مدیریت راهبردی نظام جمهوری اسلامی و پرداخت سند چشم‌انداز توسعه ملی، در فرایند ولایت فقه در دین، در نظام اندیشه فقه جامع شکل می‌گیرد.

##### ۵- فقه جامع و نظام تحقیق و توسعه

«تفقه در دین»، فهم جامع‌نگر جریان رشد، از منظر آموزه‌های دین و راهبری برنامه‌مند فرایند مزبور، تا سطح خودتکاپویی درونزای منابع انسانی و نظام اجتماعی است. دانش توسعه‌ای مقصود نظر دین، بر بنیان و در راستای همین «تفقه در دین» شکل می‌گیرد. کفایت به مدد روش‌شناسی تحقیق و توسعه و روش‌شناسی مدیریت راهبردی، عنصر برنامه‌مندی را در نظام تولید دانش دینی، ملحوظ داشته باشیم. به این قرار، نظام

مدیریت تحول حاکمیت دین‌شناختی توسعه‌ای و به تعبیری نظام مدیریت دین‌شناختی تحقیق و توسعه‌ای راهبردی دانش‌بنیاد و تفقه‌دردین‌محور، همانا «نظام ولایت فقیه» است. «نظام اندیشه‌ای» مزبور، نظام ادراکی خاستگاه برآمدن نظام دانش‌ها در جهان دینی و حاکمیت اسلامی، و خاستگاه بازخوانی نظام رشته‌ها و دانش‌ها در جامعه دینی و حاکمیت دینی و نظام آموزش عالی (نظام علوم، تحقیقات و فناوری) مربوط به آن، است.

پژوهش فقه جامع، نوعی پژوهش بنیادی - توسعه‌ای است و بر بنیان یک رویکرد معرفت‌شناختی (بنیادی)، گفتمان دین‌شناختی اندیشه ترقی - اندیشه توسعه‌ای (پژوهش بنیادی) پیشنهاد می‌شود، تا بر بنیان آن، نظام مدیریت مبتنی بر آن (پژوهش توسعه‌ای)، طراحی و پیشنهاد گردد.

تفقه در دین، مستند توسعه درونزا؛ یعنی فرایند توسعه مبتنی بر قابلیت‌های درونی و منابع هویتی خویش، در عین توجه به فرصت‌های بیرون سیستم، است. پدیده اقتدار،<sup>xx</sup> در میان می‌آید. اقتدار: یعنی «حق چشم‌داشت اطاعت» و به مثابه هدف نظریه‌های الزام سیاسی - یعنی اینکه چرا باید از دولت اطاعت کنیم - است. «اقتدار»، برآیند مشروعیت و کارآمدی است و متکای آن، نظام ملی تولید دانش است. اقتدار توسعه‌ای دولت - ملت، در گرو اقتدار توسعه‌ای علم است. مقوله «اقتدار»، عرصه نسبت‌یافتن مشروعیت و کارآمدی، با لحاظ هر دو مفهوم نظری و عملی (حقوقی و بالفعل) آن اصطلاح و نیز عرصه انواع متفاوت نظام‌های هنجاری است که با انواع متفاوت اقتدار، به ویژه مفهوم اقتدار فرمند<sup>xxi</sup> مرتبط بوده و از این رهگذر، مراتب مبنایی اقتدار تا اقتدار مدنی یا ارگانیک را شامل می‌شود. ولایت (ولایت شرعی) به معنای حکومت و زعامت سیاسی یا حاکمیت سیاسی و تدبیر امور، تصدی، تصرف و قیام به شئون غیر. سیطره، سلطنت، ملوکیت و استیلا<sup>۳</sup> و اندیشه ولایت، همان اندیشه دولت، یا اندیشه دین‌شناختی مدیریت راهبردی تحقیق و توسعه، است. پرسش از ولایتمندی فقیه، در عیاری معرفت‌شناسانه، همانا پرسش از ولایتمندی فقه و فقاقت است.

<sup>۳</sup> . برای آشنایی با ولایت شرعی از جمله رجوع کنید به آیت الله سید محمد آل بحر العلوم (م ۱۳۲۶ ق)، بلغه الفقیه، رساله فی‌الولایات، ج ۳، ص ۲۹۸-۲۱۰. آیت الله سیرمیر عبدالفتاح حسینی مراغی (م ۱۳۵۰ ق)، العناوین، عنوان ۷۳، فی‌الإشارة الی‌الولایاو المولیعلیهم اجمالاً فی النفس و المال و بیان مراتبهم فی‌الولایه.

گفتمان توسعه دانش‌بنیاد، آخرین قرائت از گفتمان توسعه‌ای اندیشه ترقی، معتقد به حاجتمندی تدبیر فرایند توسعه، به دانش معطوف به همین رویکرد است که در فضای آموزه‌های دین جامع، گفتمان تحقیق و توسعه تفقه‌در دین‌محور، در میان می‌آید که همانا گفتمان تحقیق و توسعه‌ای مبتنی بر نظریه «تفقه‌در دین»، با این رویکرد و نگرش که نظام ادراکی یادشده می‌تواند مضمون دانش توسعه‌ای دیده شود، است.

با همه آنچه گفتیم؛ نگره مهندسی فکر دینی؛ یعنی سازماندهی بنیادنگر، روشمند، مستند، روزآمد و کارآمد فکر دینی، در پاسخ به چالش‌های نوبه‌نوشونده جامعه مخاطب، برآمدنی است و به این قرار نهاد حوزه دینی، نهاد پیشاهنگ تولید دانش، برای توسعه دین-شناختی؛ یعنی سازمان عهده‌دار نظریه‌پردازی و تولید دانش تازه، به تناسب پرسش‌ها و چالش‌های نوبه‌نوشونده و آزمون‌کننده ایده‌های پیشنه‌دای، با رویکرد تحقیق و توسعه‌ای در افق ملی، شمرده می‌شود. اینک وقت آن رسیده است که در دنیای منظم کنونی، همچنان مبحث بیع فضولی در مثل مکاسب شیخ انصاری، جای طرح مسأله «ولایت فقیه» نباشد.<sup>xxi</sup> آیا بهتر نیست که مبانی حکومت اسلامی و به تعبیری «نظریه حاکمیت» از نظر شرعی و فلسفی، در خاستگاه اندیشه‌ای بایسته خویش؛ یعنی «تفقه در دین» و «ولایت فقه در دین» و مقوله «ولایت فقیه در دین» قرار گرفته و در این راستا، در «مبانی فلسفه فقه» نیز مطالعه شود و فقه در جایگاه بایسته خود، در استنباط و اجرای احکام و قواعد طرح شده، در آن رشته عمومی و مقدماتی قرار داشته باشد؟

#### چهارم: اندیشه ولایت فقیه در عیار اندیشه دین‌شناخت پیشرفت و مدیریت راهبردی تفقه در دین‌بنیان

پرسش از ولایت‌مندی فقیه، در مبادی معرفت‌شناسانه و از منظر آخرین گفتمان‌های توسعه‌ای، ولایت فقه و فقاقت، معلوم گردید و هم اینکه: اندیشه دینی، دانش دینی، در عرصه راهبری تغییر به سوی آرمان رشد، ولایت دارد، دارای این قابلیت است که در قالب یک سامانه جامع ادراکی، در دو دسته گزاره‌های اخباری و انشایی، به تبیین تفسیر فرایند رشد و تحقیق و توسعه در رسد و الگوی راهبری راهبردی آن را به دست دهد.

با این نگاه، اندیشه دولت دینی یا اندیشه مدیریت دین‌شناختی تغییر و تحقیق و توسعه، مجال حضور می‌یابد. مدیریت تحقیق و توسعه تفقه در دین‌محور، محلی از اعراب

می‌یابد و می‌تواند با جریان در نظام حقوق اساسی؛ به مثابه یک گفتمان کارآمد در جهان جدید، مصدر یک دوره تمدنی شکوفا باشد. ایده ولایت فقیه، همین ایده مدیریت دین‌شناختی راهبردی تحقیق و توسعه‌ای تفقه در دین‌محور است.

### ۱- اندیشه ولایت فقیه در تجربه جمهوری اسلامی

انقلاب اسلامی فرصت تجربه این ایده برتر است، فرصتی که در تاریخ دانش مسلمانی، اندیشه شیعه و تاریخ تشیع، دومین فرصت قابل اعتنا و برجسته است.

تجربه اول در عصر صفوی رخ نمود. نقدهای چندگونه بر تجربه اول، با لحاظ فرصت‌ها و چالش‌های جدید می‌تواند با عیار و مضمونی تازه، متکای این تجربه تمدنی جدید باشد. نقشه جامع علمی، در نظام ولایت فقیه البته و به ناگزیر در کانون خویش، باید نقشه راه دانش دینی را نشان دهد، نشان دهد که دانش دینی:

۱- قابلیت جریان یافتن در فرایند ترقی و توسعه جامع‌نگر را دارد؛

۲- قابلیت ظهور نهادمند در نظریه دولت دینی را دارد؛

۳- قابلیت گفتگوی فعال با جهان اندیشه بین‌الملل را، برای دستیابی به سطح تازه‌ای از حیات بین‌الملل بشری در خویش دارد. با این لحاظ:

۱- اندیشه ولایت فقیه برآمده از اندیشه ولایت فقه است، مختصات به علاوه‌ای ولایت فقیه چونان عدالت و مدیریت، شاخصه‌های درونزای اصل ولایت فقه‌اند؛

۲- فقه مبنای راهبری تغییر به سوی رشد، تفقه در دین است؛ نه تفقه صرف در احکام. «تفقه در احکام»، جریان اندیشه‌ای استنباط قواعد ارتباطات رفتاری است و دست کم از سه بخش ادراکات نظری، ادراکات تجربه‌پذیر، ادراکات ارزشی (اخلاقی) و نیز حوزه تحقیق و توسعه جدا بوده و در نسبت با یکدیگر، ارکان اصلی سامانه جامع تفقه در دین را، تشکیل می‌دهند؛

۳- در تفقه در احکام نیز، تنها استنباط مفردات احکام دیده نمی‌شود بلکه استنباط سیستم جامع راهبری به سوی وضع مطلوب یا سامانه جامع وضع مطلوب نیز در این فرایند شناختی مد نظر است؛ از نظام تعلیم و تربیت به همراه احکام تعلیم و تربیت، تا نظام اخلاقی به همراه احکام اخلاقی، تا نظام اجتماعی - فرهنگی به همراه احکام و روابط رفتاری

اجتماعی - فرهنگی تا نظام سیاسی، به همراه احکام سیاسی تا نظام اقتصادی به همراه احکام اقتصادی تا نظام حقوقی - قضایی - اجرایی به همراه احکام مربوط به آن. کوتاه آنکه توجه جدی به استنباط مفردات احکام، در ذیل سیستم جامع راهبری، به سوی وضع مطلوب ابعاد مختلف فقه، تحولی اساسی در فقه در احکام ایجاد خواهد کرد و فقه را در تمام زمینه‌های زندگی فردی و اجتماعی به صورت جدی وارد و تثبیت خواهد نمود.

از زمره بازخوانی‌های ناگزیر معرفت‌شناختی در فقه در احکام، بازخوانی و تکامل روش - شناسی مبنای این حوزه شناختی است؛ همت ناگزیری که اندیشمندان احیاگری چون علامه شهید سید محمد باقر صدر (اعلی الله مقامه الشریف)، در مثل کتاب ارزشمند «اقتصادنا»، عهده‌دار آن بودند و در راستای بازخوانی منطق استنباط، در حلقات اصول خویش، روش‌شناسی دیدگاه سیستمی را در کتاب مزبور و در استنباط سیستم اقتصاد اسلامی به کار گرفتند. حضور نظام‌واره فهم قوانین کلی حاکم بر ارتباطات رفتاری در فرایند رشد و از این مجرا ورود به فرایند تحقیق و توسعه، در گرو این سیستم‌نگری احکام است. روش‌شناسی‌های دیگری چون روش‌شناسی تحلیل معانی، روش‌شناسی مدیریت راهبردی و مانند آن، در این تکامل روش‌شناختی می‌توانند در منظومه روش‌شناسی فقه در احکام، به کار گرفته شوند؛

۴- تئوری‌های مرسوم ولایت فقیه بر ولایت فقیه در احکام نظر داشته‌اند، نقد معرفت‌شناختی نسبت فقه در احکام با تفقه در دین و نسبت ولایت فقیه در احکام با ولایت فقیه در دین، بویژه از منظر ورود تخصصی و نه تخصیصی مبانی نظری از سویی و فرایند تحقیق و توسعه از سویی دیگر، در میدان معنی‌شناختی نظریه دولت، راهبر به بازخوانی این نظریه است. مجموع تجربیات اندیشه‌ای و اقدامی انقلاب اسلامی، به ویژه در آغاز کلان دوره سوم ولایت فقیه، ضرورت ورود عملی این لایه‌های مفهومی را به میدان معنی‌شناختی ولایت فقیه، به اثبات رسانده‌اند، اقتدار توسعه‌ای علم، در گرو اندیشه تفقه در دین و اقتدار توسعه‌ای ولایت فقیه در گرو تحقق ایده ولایت فقیه در دین است.

کوتاه اینکه تجربه سه دهه انقلاب اسلامی نشان داده است:

۱- دانش مبنای مدیریت نظام و دانش محوری نظام آموزه‌های دینی، «فقه در احکام»

نیست؛

۲- پژوهش اجتهادی در احکام، کفایت «نیاز تحقیق و توسعه‌ای نظام» را نمی‌کند؛  
۳- فرایند موجود تولید دانش فقه نیز وافی به همه منظومه پیشین و یا مفهومی دانش فقه نیست؛

۴- پژوهش اجتهادی تبیین‌گر دین و بر این مبنا تفسیر و تدبیر تغییر، در پژوهش استنباطی احکام رفتاری خلاصه نمی‌شود.

در عرصه جهان اندیشه و دانش معاصر، دومین موج معرفت‌شناختی سررسیده است:  
۱- اولین موج؛ حوزه‌های گوناگون دانشی، موضوع معرفت درجه دوم قرار می‌گیرد. «فلسفه فقه»، نماد این دوره آغازین است که در تکاپوی لابشرط به وی، در همه حوزه‌های شناختی درون دینی و بیرون دینی، پذیرفته شده است؛

۲- و در دومین موج؛ نسبت حوزه‌های گوناگون دانشی در تعامل میان حوزه‌ای و میان دانشی با یکدیگر، مورد بررسی و پژوهش برای راهبری قرار می‌گیرد.<sup>xxi ii</sup> این رخداد، امروز در عرصه دانش دینی نیز رخ نموده است. نهاد حوزه دانش دینی در آستانه بازخوانی اندیشه پژوهش اجتهادی است.

## ۲- قید تخصصی مدیریت راهبردی در اندیشه ولایت فقیه

اندیشه دین‌شناخت پیشرفت اینک و در دوره معاصر، در ضمن اندیشه مدیریت راهبردی، در حال یک بازخوانی روش‌شناخت قابل تأمل است. و از این رهگذر اصل ولایت در نظریه ولایت فقیه به منطبق مدیریت راهبردی میل می‌کند. در این صورت ولی فقیه، رأس راهبردی نظام مدیریت راهبردی است و فرهنگ؛ به مثابه رویکرد این نظام، تحلیل می‌شود. بدین‌سان، دستگاه عظیم ولایت، مجموعه‌ای از دستگاه‌های تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر هستند که در رأس آنها رهبری قرار دارد. رأس راهبردی، در برابر هسته عملیاتی جای دارد و همان نظام مدیریت راهبردی سازمان است. به این معنا که پنج بخش سازمان را می‌توان در سه نظام مدیریت، بدین ترتیب لحاظ نمود:

۱- نظام مدیریت راهبردی، معادل رأس راهبردی؛

۲- نظام مدیریت میانی، معادل خط میانی و ستادهای تخصصی و پشتیبانی؛

۳- نظام مدیریت عملیاتی، معادل هسته عملیاتی.

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

نظام مدیریت راهبردی هر کشوری، اصلی‌ترین شاکله نظام، محسوب می‌شود. خروجی این نظام، تصمیمات کلان؛ اعم از چشم‌انداز، اهداف بلندمدت، سیاست‌ها، راهبردها و در پی آن نوسازی، بازسازی و مهندسی مجدد ساختارها، متناسب با چشم‌انداز و اهداف بلندمدت می‌باشد.

نظام مدیریت راهبردی، چه در سطح سازمان و چه در سطح کشور، امامت سازمان و کشور را برعهده دارد.

رهبری معظم نظام، در این خصوص خطاب به خبرگان رهبری در تاریخ ۱۳۹۰/۶/۱۷ بیان داشته‌اند که:

«دستگاه عظیم ولایت؛ یعنی در واقع مجموعه‌ی آن دستگاه‌های تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر که در رأس رهبری قرار دارد. اما مجموعه، یک مجموعه است که باید بتواند به طور دائم خودش را پیش ببرد، متحول کند، چون تحول جزو سنت‌های زندگی انسان و تاریخ بشری است. ما اگر چنانچه خودمان تحول ایجاد نکنیم و پیش نرویم، تحول بر ما تحمیل خواهد شد. تحول؛ یعنی تکمیل، پیش رفتن به سمت آنچه که درست‌تر است، آنچه که کامل‌تر است.

یعنی آنچه را که ساختیم، ببینیم، نقص‌هایش کجاست، آن را برطرف کنیم، ببینیم کجا کم داریم، آنرا اضافه کنیم. این جریان بایستی ادامه پیدا کند».

نمای آغازینی از ساختار سازمانی نظام ولایت یا مدیریت راهبردی کشور براساس الگوی کلی پنج بخشی سازمان، دارای ساختار ابتدائی زیر دیده می‌شود که اندیشه فقه جامع اجتهادی در کلیت این ساختار جریان می‌یابد:

• ستاد پشتیبانی:

اعم از امور نیروی انسانی، امور مالی، آمار و اطلاعات، خدمات عمومی، تحقیق و توسعه در نظام اداری کشور و بخش خصوصی.

• ستاد تخصصی:

واحدهای برنامه‌ریزی و نظارت در نظام اداری کشور؛ اعم از قوه مجریه، قوه قضائیه، قوه مقننه، نهادهای عمومی غیردولتی، نیروهای مسلح و بخش خصوصی.

• رأس راهبردی:

ولی فقیه و نهاد رهبری

## سومین کنفرانس آکادمی اسلامی ایرانی میثرفرت

واکاوی منایم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی میثرفرت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی امنیت ملی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجلس شورای اسلامی، هیئت دولت، سایر شوراهای عالی.

• خط میانی:

وزراء، رؤسای نهادها، فرماندهان نیروهای مسلح، استانداران و فرمانداران.

• هسته عملیاتی:

شرکت‌ها، مؤسسات آموزشی و پژوهشی، واحدهای فرهنگی، ادارات و سازمان‌ها، یگان‌های نظامی و انتظامی، دستگاههای قضایی در بخش‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و بخش خصوصی.



مدیریت راهبردی یا نظام ولایت، مبتنی بر تفکر استراتژیک و راهبردی است. تفکر استراتژیک بر اساس آرمان‌ها، اهداف مطلوب - ممکن را به عنوان چشم‌انداز، می‌تواند ترسیم نماید. مدیریت راهبردی که صرفاً با تکیه به ضعف‌ها و قوت‌ها و فرصت‌ها و تهدیدات، اهداف را ترسیم می‌کند؛ اهداف ممکن - مطلوب را نیز به عنوان اهداف راهبردی مشخص می‌سازد. بدین گونه با بازتعریف نظام ولایت فقیه به مدیریت تفقه در دین بنیان - راهبردی فرهنگی، رویکردی نوین، در مدیریت راهبردی بر می‌آید. I xxi v



مدیریت راهبردی فقه جامع بنیان، علاوه بر اینکه اهداف اصلی و یا اهداف مطلوب و ممکن را به عنوان چشم‌انداز و نقشه هدف ترسیم می‌کند. باید نسبت به تحول در ساختارهای موجود، برای تحقق چشم‌انداز، اقدام نماید. نقشه تحول، همان نقشه مهندسی مجدد ساختارها و سازوکارهای موجود می‌باشد.

فراتر از ترسیم نقشه هدف، به عنوان چشم‌انداز و ترسیم نقشه تحول در وضع موجود، به عنوان نقشه مهندسی فرهنگی کشور، تحول در فرهنگ موجود در جهت فرهنگ مطلوب نیز، از کارکردهای جوهری و اصیل مدیریت راهبردی فرهنگی کشور محسوب خواهد شد.

\* مؤلفه‌های اصلی فصل کارآمدی نظام تفقه در دین بنیان مدیریت راهبردی:

کارکردهای اصلی مدیریت راهبردی که مولفه‌های اصلی آن را تشکیل می‌دهند عبارتند از:

۱- تعیین اهداف بر اساس شاخص‌های معین؛

۲- بررسی شرایط، مقتضیات و تعیین سیاست‌های رسیدن به این اهداف؛

۳- ارزیابی چگونگی تحقق اهداف و ارائه بازخورد.

بنابراین هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری، نظارت و ارزیابی، از کارکردهای اصلی مدیریت راهبردی محسوب می‌گردد.

ولی فقیه در جامعه اسلامی، در بالاترین رده تصمیم‌گیری قرار داشته و تصمیم‌گیری نهایی برعهده وی است. در حقیقت کلیددار اصلی نظام جمهوری اسلامی، ولی فقیه می‌باشد.

بدیهی است ولی فقیه، خود در یک چارچوب مشخص، معین، مبانی، اصول، ارزش‌ها و آموزه‌های الهی باید تصمیم‌گیری کند. این نیست که ولایت مطلقه به معنای این باشد که ولی فقیه به عنوان یک فرد چون سایر افراد، براساس خواسته‌های فردی‌اش تصمیم‌گیری کند.

محور نظام مدیریت راهبردی جمهوری اسلامی، ولی فقیه یا رهبر انقلاب اسلامی است. رویکرد ولی فقیه که یک اسلام شناس، عالم عامل، مصلح و تحول‌خواه می‌باشد، رویکرد فرهنگی است و بر مجموعه نظام، مدیریت راهبردی فرهنگی اعمال می‌نماید.

### ۳- گفتمان پردازی خودویژه و درونزای مدیریت فرهنگ

در منطق و نظام حقوق اساسی، رأی ولی فقیه در مقام بیان حکم حاکمیتی و نقشه راه تحقیق و توسعه‌ای دولت - ملت، از جمله در پردازش نگاهت نهادی در «نقشه جامع علم» و از جمله سامانه آموزش و پژوهش نهاد ملی علوم، تحقیقات و فناوری، به مثابه یک سند بالادستی تلقی می‌شود. این منطق، با توجه به دانسته‌های پیشین، اندکی حاجت‌مند توضیح است:

در اندرون منطق مزبور، یک روش‌شناسی عظیم تحقیق و توسعه‌ای، نشسته است که خودآگاهی مدیریت نظام و نیز مدیریت نهاد علوم، تحقیقات و فناوری، و نیز مدیریت نهاد حوزه‌های علمیه به این روش‌شناسی، یک چاره‌گشایی جدی در عملی نمودن الگوی تفقه در دین‌بنیان مدیریت راهبردی نظام، تلقی می‌شود. تمهید اندیشه تفقه در دین ولایتمند، وام‌دار لحاظ آن در نظام حقوق اساسی است. توضیح افزون‌تر آن را داشته باشیم:

پیش‌تر دانسته آمد که:

۱- در تکاپوی گذار معرفت‌شناسانه بر مدار فکر ترقی، در تاریخ اندیشه دینی، نظام ادراکی مبنای مدیریت تغییر نظام جمهوری اسلامی ایران، یعنی «تفقه در دین» دریافته می‌شود. «تفقه در دین»، سامانه یا دستگاه ادراکی جامع‌نگر در دین‌پژوهی و بر بنیان آن، تفسیر دین‌شناختی پدیده تغییر است که منجر به انداز و تدبیر امر تغییر فردی - اجتماعی تا مرتبه خودتکاپویی جامع در پاسبانی از کیان هویتی خویش می‌شود؛

۲- «ولایت فقیه»، در راستای گستره مفهومی «تفقه در دین»، مستند به قرآن و سنت، «گفتمان مدیریت راهبردی تحقیق و توسعه تفقه در دین - دانایی‌محور» است. در این راستا، ایده «مهندسی فکر دینی» در بستر «تفقه در دین» تا «ولایت فقیه»، همانا فرایند طراحی، ساخت و پرداخت اندیشه معطوف به مدیریت ترقی رو به آرمان انبیايي «رشد و فلاح»، تا پرداخت الگوی تحقیق و توسعه درونزای نظام است؛

۳- سند راهبردی با ایده مدیریت دانش، در چارچوبه گفتمان توسعه دانایی‌محور و به این قرار نقشه جامع علمی، در «نظام ولایت فقیه در دین» دریافته می‌شود. برای دریافت این نکته، دانستن این نکته ضروری است که تا دانایی توانمند جریان توسعه‌ای نباشد، حاکمیت مبتنی بر آن دانش نیز اقتدار و کارآمدی لازم برای مدیریت توسعه‌ای را نخواهد داشت. از این‌رو «فقیه در دین» به ولایت می‌رسد؛ چون «تفقه در دین» می‌تواند بنیان

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سویی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

اندیشه‌ای نظام حاکمیت باشد و به تعبیری «ولایت فقیه در دین» از «ولایت تفقه در دین» یا «اقتدار توسعه‌ای تفقه در دین» برمی‌آید؛

۴- نقشه ملی جامع علم، در ادبیات نظام جمهوری اسلامی و نظام ولایت فقیه، سامانه مغزافزاری، نرم‌افزاری، انسانی، مدیریتی و سخت‌افزاری تولید و جریان دانش توسعه‌ای تمدنی معطوف به تحقق آرمان‌های دین‌شناختی نظام جمهوری اسلامی است. نقشه جامع علمی، نقشه راه جریان ولایت و میداننداری تفقه در دین، در تدبیر توسعه‌ای - تمدنی نظام جمهوری اسلامی ایران است؛

۵- نظام آموزش عالی، عهده‌دار پرداخت بنیان اندیشه‌ای «فرایند تحقیق و توسعه» است. در چارچوب نظام کلان اندیشه ترقی، نظام آموزش عالی، به ویژه در پرداخت میان‌رشته‌ای علوم با اندیشه اسلامی، باید گفتمان خودویژه تحقیق و توسعه را بازخوانی کرده و به دست دهد و در راستای آن به تدوین دکترین تحقیق و توسعه ملی بپردازد و با تولید دانش در این راستا، نقش خویش را در گذار به سازه تازه تمدنی جامعه ایرانی، ایفا نماید.

با این ملاحظات، دانسته‌تر می‌شود که آراء، توشیحات و مصوبات قانونی رهبری نظام یا ولی فقیه، از زمره اسناد بالادستی نقشه جامع علم و علمی است که بایستی در انواع نگاشت‌های نقشه مزبور، در دستور تدوین و اقدام باشد.

فراخوان‌ها و مصوبات یادشده ولی فقیه، اگر در تاریخ تحول فکر ترقی، در دانش تمدنی جامعه ایرانی به ویژه سیصد سال اخیر و از منظر ضرورت دریافته‌شده نظام مدیریت کلان کشور، طرح شود، درست‌تر دریافته می‌شود. جامعه ایرانی در حال گذار به مدرنیته خودویژه خویش است و اصلی‌ترین پرسش راهبردی پیش روی آن، ماهیت این گفتمان تحولی بوده است. حضرت امام راحل ره و رهبری انقلاب، در طول سه دهه اخیر، بر اصول برجسته‌ای از این گفتمان، فراخوانی و تأکید داشته‌اند. در این راستاست که فراخوان رهبری نظام، جمع‌بندی خودآگاه نظام از دوره گذار چندجانبه‌نگر تمدن ایرانی است. نمونه‌ای از این اصول:

۱- با عناوینی چون سال «پیامبر اعظم (ص)»، فراخوانی به گفتمان نبوی الگوی تمدنی و با سال امام علی (ع) فراخوانی به قرائت علوی این گفتمان؛

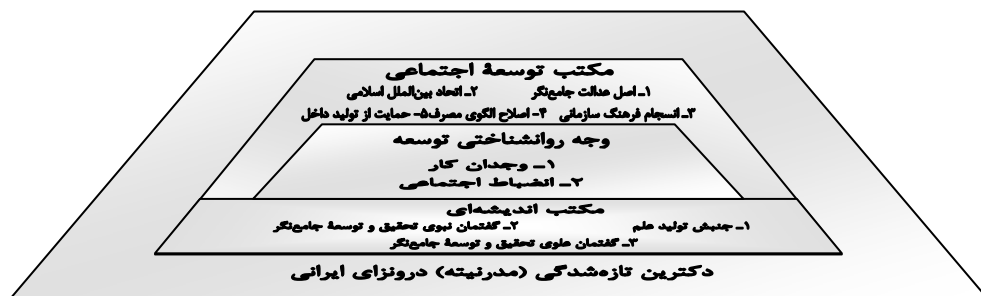
۲- و عنوان «اتحاد ملی، انسجام اسلامی»؛

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارده‌بشت و خرداوا ۱۳۹۳

- ۳- و عنوان «نوآوری و شکوفایی»: در تبیین وجه نرم‌افزاری نظام جمهوری اسلامی یا نظریه‌پردازی برای تحقیق و توسعه؛
- ۴- با عناوینی چون «وجدان کاری، انضباط اجتماعی»: توجه به اصول وجه روانشناختی دکتورن دوره مدرن توسعه ملی: اصل بنیادین روانشناختی توسعه ملی؛
- ۵- با عناوینی چون «عدالت جامع‌نگر»، «اتحاد و انسجام اسلامی»؛
- «حرکت به سمت اصلاح الگوی مصرف»: اشاره به اصول توسعه علم‌الاجتماعی و مقوله سازمان، بر بنیان آموزه‌های دینی، در مدیریت تحول توسعه‌ای، با نوعی بینش میان‌سیستمی ملی - بین‌المللی؛
- ۶- و نیز عنوان «جهاد اقتصادی»؟؟؟
- ۷- و نیز عنوان «تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی» و تأکید بر اقتصاد مقاومتی؛
- ۸- و نیز عنوان «احماسه سیاسی، حماسه اقتصادی»؛
- ۹- و یا عنوان «فرهنگ و اقتصاد، با عزم ملی و مدیریت جهادی»؛



ورود به عصر تازه‌شدگی این دوره‌ای جامعه ایرانی، در متن «گفت‌وگو تحقیق و توسعه تفقه در دین‌محور» تفسیر و بازخوانی می‌شود. اندیشه مدیریت تغییر، در تجربه نظام جمهوری اسلامی، دوره‌های چشمگیری را در نسبت با چندین سده پیش خود، طی نموده است:

- ۱- از رویکرد کلامی به ایده «ولایت فقیه در احکام»، در نمونه آرای حضرت امام خمینی (ره) در کتاب «کشف‌الاسرار»؛
- ۲- تا رویکرد فقه‌ای آن ارجمند پیشاهنگ، در دوره آغازین انقلاب اسلامی، در مثل احکام فرهنگ و ورزش؛
- ۳- و به تدریج ورود به ادبیات نوین مدیریت سیاسی در آرای پایانی امام راحل (ره) و آغازین رهبری معاصر نظام، و نشو و نمو و نمای ایده مدیریت راهبردی از خلال آن؛
- ۴- تا آخرین قرائت‌ها در ساختار و هیأت جدید از شاکله نظام سیاسی با مثل جایگاه مجمع تشخیص مصلحت نظام، در الگوی پیشنهادی از «ولایت فقیه» و ورود عملی به ایده مدیریت راهبردی، بر بنیان ایده تفقه در دین و البته بدون بیان رسمی آن.
- اکنون و به تدریج، در فاهمه نظام سیاسی کشور نیز، اصولی به پیکره اصلی ایده ولایت فقیه در احکام افزوده شده که خبر از رویکرد به ایده تفقه در دین دارد؛ اصولی مانند:
  - ۱- جایگیری ایده مدیریت راهبردی؛
  - ۲- جامع‌نگری در تفسیر دین، با نگرشی فراتر از فروگاشی همه حوزه‌های دین‌شناسی به فهم فقه‌ای در احکام؛
  - ۳- ضرورت حرکت از فهم دین به تبیین و تدبیر دین‌شناسانه تغییر و توسعه؛
  - ۴- برقراری تدریجی نسبت مدیریت دانش و فرایند تحقیق و توسعه و همچنین ورود نهادهای تولید دانش در مدیریت تحقیق و توسعه در سطح ملی؛
  - ۵- بسط ایده میان‌رشته‌ای‌ها برای مدیریت عینیت، به طور خاص در عرصه‌های علوم انسانی، معارف درون‌دینی، در درون هر حوزه و با دیگر حوزه‌ها؛
  - ۶- در میان آمدن ایده مهندسی تحقیق و توسعه فرهنگی؛
  - ۷- اهتمام به نسبت دو نقشه جامع علم و نقشه جامع علمی، در پردازش نظریه ولایت فقیه، نظریه مدنیت و جمهوری اسلامی - ایرانی.
- تحلیل جریان مدیریت دانش، در فرایند مدیریت تحقیق و توسعه و جریان «تفقه در دین» در نظام ولایت فقیه، گفتمان نظام جمهوری اسلامی را درباره جریان دانش توسعه‌ای - تمدنی از خلال جنبش معرفت‌شناختی تا سند توسعه راهبردی علوم تا ایده مأموریت‌گرایی سطوح مختلف نظام آموزش عالی تا بازخوانی نظام رشته‌ها و درس، نشان

می‌دهد. مجال کوتاه پیش‌رو، اجازت اشارت به برخی راهبردها و منویات و فرمان‌های رهبری نظام را در کلیت نقشه جامع علم و نگاشت نهاد آن، می‌بخشد:

#### ۴- گشودگی تحلیلی تدریجی فصل مدیریت اجرا

در طول سالیان تجربه عینی ولایت فقیه، دو اتفاق معرفت‌شناختی، به تدریج در حال شکل‌گیری است:

۱- در بخش فهم و اندیشه فقه، گسترده شدن مباحث جدید فقه و برآمدن حوزه‌های مورد نیاز و تخصصی شدن آن:

- تخصصی شدن در مباحث فقه سیاسی، فقه حقوق و ...؛

- برآمدن ابواب تازه‌تری مثل فقه هنر، فقه معماری و شهرسازی در ...؛

۲- و اتفاق وسیع‌تر، در حوزه اندیشه جانبی اندیشه فقهی؛ یعنی دانش‌های مورد نیاز تدبیر امور و عناصر ساختاری این امر:

- مبحث اندیشه مصلحت و ساختار سازمانی مجمع تشخیص مصلحت؛ به عنوان حوزه تخصصی سیاست‌گذاری توسعه؛

- بخش مطالعات راهبردی: راهبردهای توسعه‌ای نظام، سند چشم‌انداز و ...؛

- بخش پژوهش‌های حوزه قانون‌گذاری: پژوهش برنامه‌ای؛

- پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگی؛

- پژوهش‌های سیاسی - امنیتی.

سیستم‌نگری در دو حوزه جداگانه یادشده و به ویژه حوزه نظام، اندک اندک جدی‌تر شده است. اندیشه فقاقت به تدریج در وجه سلبی آن در شورای نگهبان و در وجه بیان عناصر عمومی وضعیت مطلوب در افتاتات و استفتائات فقهی، دیده می‌شود.

فرهنگی حوزه دانشی جانبی دانش فقه و به تعبیری حوزه بیرون‌فقهی دانش مبنای مدیریت نظام جمهوری اسلامی یا دانش‌های بیرون‌فقهی نظام ولایت فقه - ولایت فقیه، هر روز چشمگیرتر، در مجامع آکادمیک، قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری مشاهده می‌شود.

قلمرو اجتهاد مبنای اندیشه مدیریت فقاقتی به تدریج، پذیرای ناگزیر تعامل با دانش‌های بیرون‌فقهی بنیادین تا توسعه‌ای است.

عنصر انسانی تحولات اجتماعی، با رخداد بحران فرهنگی، فصل تازه‌ای را نیز به این مجموعه می‌افزاید. سه پدیده بحران تفکر، بحران اخلاق و بحران هویت، عنصر معنی‌داری زندگی و نظام تعلیم و تربیت را نیز به منظومه ولایت فقیه به ناگزیر افزون تر می‌کنند. به تحلیل اصل نظریه بازگردیم:

تحلیل اندیشه ولایت فقیه و داوری در باب نظریات ولایت فقیه و حکومت ولایی، هیچ‌گاه به فصل دانشی و اجتهاد فقهی آن معطوف نبوده است و در فصل ولایت آن، مورد نظر و اختلاف رأی بوده و از چگونگی به ولایت رسیدن فقیه و از جنس و سطح و دامنه ولایت بحث و نظر بوده است. عرصه مدیریت کشور و نظام تولید دانش دینی هنوز به تأمل معرفت‌شناسانه در باب اصل فقاقت و اجتهاد فقاقتی وارد نشده است. حاصل آنکه دانش مبنای ولایت و مدیریت، به شهادت تجربه سه دهه انقلاب اسلامی و نقد معرفت‌شناختی دانش دینی مبنای ولایت و نیز آموزه‌های دینی و نیز آخرین دستاوردهای اندیشه ترقی و گفتمان توسعه دانش‌بنیاد، نمی‌تواند فقه در احکام باشد.

در کنار این مباحث، دو حوزه دانشی دیگر؛ یعنی کلام و عرفان نیز، در برخی اندیشه‌های ولایی آمده است؛ ولی نسبت آن دو حوزه شناختی با حوزه فقه، به جز در برخی آثار محدود مورد توجه قرار گرفته و خبری از منظومه معرفتی کلامی، فقهی و عرفان اندیشه ولایت و مدیریت دینی، نبوده است.

## پنجم: نتایج و ضرورت‌های پیش روی این بازخوانی

### ۱- نتایج تحقیق:

گذار به گفتمان ولایت فقه جامع اجتهادی، آثار و نتایج معرفت‌شناختی - تحقیق و توسعه‌ای چندی، به مثابه نگاشت ادراکی نقشه جامع علمی، خواهد داشت. برخی از برجسته‌ترین آنها:

۱- اندیشه معطوف به مقوله پیشرفت، اندیشه مبنای مدیریت تغییر، اندیشه مبنای مدیریت راهبردی آینده‌نگر و آینده‌نگار تغییر است و تفقه در دین، منظومه ادراکی پیشرفت (رشد - توسعه) شناخت دین و دین‌شناخت پیشرفت است. به این قرار تفقه در دین، اندیشه مبنای مدیریت تغییر، قلمداد می‌شود. سهم نسبت گستره و ژرفایی معرفت‌شناخت ولایتمندی یک اندیشه، نظریه و گفتمان، تابعی از سهم نسبت آن با مقوله پیشرفت، است؛

۲- این منظومه اندیشه‌ای، ولایتمندی تغییر دارد. فقه در دین، منظومه جامع پردازش الگوی پیشرفت را در خویش دارد؛

۳- سامانه یاد شده، در سه سطح مبانی نظری، الگوی هنجارین مطلوب، و راهبردهای تنزیلی و شأن نزولی تغییر، شکل می‌گیرند. منظومه جامع ادراکی پیشرفت را، به تناسب مقتضیات زمان - مکان، به دست می‌دهد. تفقه در احکام، فصل استنباط قواعد احکام ادب ظاهر تغییر است که به ضمیمه دانش اخلاق، الگوی هنجارین راهبری تغییر را سامان می‌بخشد. از ظرفیت و قابلیت معرفت‌شناخت فام ساخته نیست؛

۴- سطوح کاربردی - توسعه‌ای و راهبردی مدیریت تغییر، را شکل می‌دهد. به این قرار گستره و ژرفای معرفت شناخت تفقه در دین، گستره و ژرفای منظومه ادراکی رشد و توسعه است و نه تفقه در احکام؛

۵- اشراف بر کلیت سامانه ادراکی رشد، بر فرض پذیرش ولایتمندی تفقه در دین و نه تفقه در احکام، از ظرفیت دانشی یک فرد ساخته نیست و در سعه و ظرفیت یک نهاد جامع دانشی است. بر همین منوال، ایده ولایت فقه، بیش از آنکه ایده ولایت فرد بر کلیت نظام اجتماعی باشد، ایده جریان و نظام‌مندی فرایند تغییر، بر بنیان منظومه ادراکی تفقه در دین است که می‌تواند متناسب با انواع تجربه‌های مدنی، ساختارهای بالنسبه متفاوتی در نظام حقوق اساسی داشته باشد. پس ولایت و مدیریتمندی تغییر، در خور نهاد و سامانه تولید دانش رشد - توسعه است. اندیشه دینی، اندیشه پیشرفت و رشد - توسعه تفقه در دین - بنیان، است. به این قرار، نهاد تولید دانش رشد - توسعه، ولایتمند تغییر است که می‌تواند در نظام حقوق اساسی، صورت‌های گوناگون که از جمله می‌تواند به صورت برآیند، در یک رأس هرم راهبردی بیابد. واژه نظام ولایت فقیه، اشاره به همین رویکرد جریان فقه در دین در نظام مدیریت اجتماعی، دارد.

۶- فقیهان مرسوم تعریف فقه در احکام ولایتمند تغییر نیستند و جایگاهی در نظام حقوق اساسی ندارند؛

۷- انصراف معرفت‌شناختی پسینی فقه در دین به فقه در احکام، به تبع عرفی شدن و عوام پاسخگویی اندیشمندان دینی، کناره نشستن متفکران دینی در تدبیر امور اجتماعی و به این قرار برکناری از اقتضائات مرتبط با مقوله جامع فرایند تغییر، ورود اندیشه‌های مزدوج و تشتت درونی حوزه‌های معرفت دینی، گسستگی حوزه نظر از اقدام، دوئیت میان حوزه -



های یاد شده، گرایش حوزه نظری به اندیشه‌های مزدوج، کوشش‌های وسیع فقیهان در طول تاریخ حاکمیت‌ها برای تصدی‌گری مناصب سیاسی، در کنار کناره‌گزینی صف عالمان حوزه نظر از مقوله سیاست و اجتماع، بوده است؛

۸- در برهه مجال‌یابی حضور هم، عرصه‌های فکری دینی، از سویی و برآمدن کلیات عرصه اجتماع و سیاست؛ به مثابه پرسش‌کنندگان کارکرد پیشرفت‌شناخت دین، در چنین وضعیت دووجه‌ای، گذار از داعیه ناکارآمدی ولایتمندی فقه در احکام، یک فراخوان معرفت‌شناخت ناگزیر است؛

۹- انقلاب اسلامی، مجال شایسته تجربه گذار معرفت‌شناخت پیشینی و پسینی از فقه در احکام به فقه در دین، است. اندیشمندان در گام اول؛ نظریه‌پردازان عرصه اندیشه سیاسی و اندیشه فرهنگی و در گام دوم؛ عهده‌داران بازخوانی نظام حقوق اساسی ملی هستند.

## ۲- توصیه‌ها و پیشنهادات:

گذار از نظریه ولایت فقه در احکام به ولایت تفقه در دین، فراخوان به پیشنهادهای چندی است:

۱- ضرورت گذار معرفت‌شناختی به اندیشه بنیان فکر دینی یا اندیشه ترقی - اندیشه رشد یا اندیشه راهبر تغییر و در این راستا بازخوانی اندیشه مبناي نظام ج.ا.ا. در راستای اندیشه دین‌شناخت پیشرفت و پیشرفت‌شناخت دین، به منظور گذار به نظریه و گفتمان رشد - توسعه‌ای تفقه در دین بنیان، در گفتگوی مقایسه‌ای با اندیشه، نظریه و گفتمان توسعه دانش بنیان؛

۲- تمهید مفصل نسبت نظر و عمل دینی، در سطح تدبیر تحقیق و توسعه‌ای دین‌شناختی یک نظام اجتماعی؛

۳- ضرورت گذار معرفت‌شناختی پسینی تاریخ فکری دینی و بازخوانی سهم نسبت همه حوزه‌های معارف درون دینی؛ از جمله فقه در احکام، با سامانه کلان ادراک رشد و تبیین علل و دلایل وافتادگی این عضو نظام واره از منظومه مبناي خویش و اهمیت و ضرورت بازگشت به آن منظومه مبنا؛

۴- ضرورت بازخوانی دواضع نظریه ج.ا.ا. از چشم‌انداز نقشه جامع علم و نقشه جامع علمی، در راستای اندیشه و گفتمان توسعه تفقه در دین بنیان و در این راستا، جهت‌دهی

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اربدی‌بشت و خردلو ۱۳۹۳

نقشه جامع علم به سوی نقشه جامع اندیشه و دانش پیشرفت و از رهگذار آن به گفتمان توسعه تفقه در دین‌بنیان؛

۵- ضرورت مأموریت‌گرایی نهادهای ملی تولید دانش، در راستای پردازش الگوی مشارکت، در پردازش اندیشه مبنای مدیریت هندسه قدرت (اقتدار توسعه‌ای علم)، در معادلات جهان جدید؛

۶- ضرورت اهتمام به مطالعات معرفت‌شناختی اصل ولایتمندی تفقه در دین و اهتمام مجامع دین‌پژوهی به پردازش نظریه یاد شده، در تبیین ماهیت نهایی نظریه جمهوری اسلامی و اصل ولایت فقیه و در منظومه مفهومی آن، اصل مرجعیت دینی؛

۷- ضرورت پذیرش دانشی گذار از اصل ولایت فقیه در احکام به اصل ولایت فقیه در دین، در نظریه پردازش مبنای جمهوری اسلامی، در راستای پردازش اندیشه، نظریه و گفتمان دین‌شناخت پیشرفت و پیشرفت‌شناخت دین؛

۸- ضرورت بازخوانی دانشی اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی؛ از جمله قانون اساسی در فصل ولایت فقیه، مستند به اندیشه، نظریه و گفتمان ولایت تفقه در دین - ولایت فقیه در دین؛

۹- ضرورت بازخوانی ایده ولایت فقیه، در نظام ج.ا.ا، بر بنیان اندیشه و گفتمان ولایت تفقه در دین و در این راستا بازخوانی نظام حقوق اساسی ج.ا.ا. براساس آن؛  
۱۰- ضرورت بازخوانی نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی، مستند به اندیشه، نظریه و گفتمان ولایت تفقه در دین - ولایت فقیه در دین؛

۱۱- ضرورت جهت‌دهی مطالعات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، مستند به اندیشه، نظریه و گفتمان ولایت تفقه در دین - ولایت فقیه در دین؛

۱۲- ضرورت گذار به نظریه اندیشه و گفتمان درونزای قرآنی و از آن چشم‌انداز، نظریه فلسفه عمل و منطق گذار راهبردی، از حوزه نظر به حوزه اقدام راهبردی و در این راستا بازتعریف اصل ولایت فقیه به مدیریت راهبردی دین‌شناخت پیشرفت جامع‌نگر؛

۱۳- ضرورت بهادهی به رشته پژوهشی ولایت فقیه، در نظام آموزش عالی، به مثابه مدیریت راهبردی دین‌شناخت رشد - توسعه و گرایش‌های دانشی مدیریت راهبردی دانش، مدیریت راهبردی آینده‌نگار، مدیریت راهبردی فرهنگی و آینده پژوهی.

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اربدیشت و خرداد ۱۳۹۳

### فهرست منابع

- جناتی، محمد ابراهیم (۱۳۷۴). ادوار فقه و کیفیت بیان آن؛ تهران؛ کیهان.
- جناتی، محمد ابراهیم (۱۳۸۶). تطور اجتهاد در حوزه استنباط؛ تهران؛ امیرکبیر.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). عقل در هندسه معرفت دینی؛ قم؛ مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۸). پیرامون وحی و رهبری؛ قم؛ الزهراء.
- خمینی، روح الله (۱۳۶۹). صحیفه نور؛ تهران؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خمینی، روح الله (۱۳۸۷). الرسائل الاجتهاد و التقليد؛ تهران؛ موسسه نشر آثار امام خمینی.
- شهیدی، سید جعفر (۱۳۸۷). نهج البلاغه، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- صدر المتألهین؛ محمد (۱۳۶۶). شرح اصول کافی؛ تهران؛ موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳). مسالک الافهام؛ قم؛ مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- کراجکی، ابوالفتح (۱۴۱۰). کنزالفوائد؛ قم؛ انتشارات دارالذخائر.
- مجلسی؛ محمد باقر (۱۴۰۴). بحار الانوار؛ بیروت؛ الوفاء.
- محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴). جامع المقاصد فی شرح القواعد؛ قم؛ مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- ناظمی اردکانی، مهدی (۱۳۹۱). نظام مهندسی فرهنگی؛ تهران؛ دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- نراقی، احمد بن محمد (۱۴۱۷). عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحكام؛ قم؛ انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- اردبیلی، احمد (۱۳۶۲)؛ مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان؛ قم؛ ج ۱۲؛ ص ۲۸.
- اعرافی، علیرضا؛ فقه تربیتی، جلد اول: مبانی و پیش فرضها، تحقیق و نگارش سید نقی موسوی؛ قم؛ انتشارات مؤسسه فرهنگی اشراق و عرفان؛ ص ۲۲ تا ۴۰.
- آذری قمی، احمد (۱۳۷۲)؛ پرسش و پاسخ‌های مذهبی سیاسی و اجتماعی؛ قم؛ دارالعلم.
- بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة؛ قم؛ دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- برجی، یعقوبعلی (۱۳۸۵)؛ ولایت فقیه در اندیشه فقیهان؛ تهران؛ دانشگاه امام صادق؛
- بروجردی، سید محمد حسین؛ البدر الزاهر فی صلوة الجمعة؛ قم؛ مکتب آیه الله العظمی المنتظری؛
- خمینی، روح الله (۱۳۸۱)؛ تهذیب الأصول؛ تقریر آیت الله سبحانی؛ تهران؛ موسسه تنظیم و نشر آثار امام ره.

## سومین کنفرانس الکلوی اسلامی ایرانی میثرف

واکلوی مفاهیم و نظریه های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سوی نظریه اسلامی ایرانی میثرف

اردهبشت و خردو ۱۳۹۳

ترکمان، محمد (۱۳۶۲)، رسایل، اعلامیه ها، مکتوبات... و روزنامه شهید فضل الله نوری؛ تهران؛ رسا.

تمیمی آمدی، عبدالواحد؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ قم؛ دارالکتاب الاسلامی؛ ۱۴۱۰.

جناتی، محمد ابراهیم؛ ادوار فقه و کیفیت بیان آن؛ تهران؛ انتشارات کیهان؛ ۱۳۷۴.

جناتی، محمد ابراهیم؛ ادوار فقه و کیفیت بیان آن؛ تهران؛ انتشارات کیهان؛ ۱۳۷۴ و نیز فقه و زمان؛ قم؛ نشر احیاگران؛ ۱۳۸۵ و

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). ولایت فقیه - ولایت فقاها و عدالت؛ قم؛ مرکز نشر اسراء.

حائری یزدی، مرتضی؛ ابتغاء الفضیلة فی شرح الوسیله؛ الجزء الاول فی المكاسب المحرمة؛ قم؛ مکتبة الطباطبایی.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعة؛ قم؛ مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

الحسینی، محمد (۱۴۱۰). الامام الشهد السید محمد باقر الصدر؛ دراسة فی سیرته و منهجه؛ بیروت؛ دارالفرار؛ ..

حکیمی، محمد رضا؛ حکیمی، محمد و حکیمی، علی (۱۳۹۱). الحیاه؛ قم؛ دلیل ما.

حکیم، سید محسن (۱۴۱۶). مستمسک العروة الوثقی؛ قم؛ مؤسسه دار التفسیر.

حلی، ابن ادریس (۱۴۱۰)؛ السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی؛ قم؛ دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

خراسانی، آخوند محمد کاظم (۱۴۱۳). اللمعات النيرة فی شرح تکملة التبصرة، قم؛ دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

خراسانی، آخوند محمد کاظم (۱۴۱۵). کفایه الاصول؛ قم؛ انتشارات مؤسسه نشر اسلامی قم.

خمینی، روح الله (۱۳۷۳). ولایت فقیه؛ تهران؛ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام ره.

خمینی، روح الله (۱۳۶۹). صحیفه نور؛ تهران؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ ج ۲۰.

دزفولی، مرتضی بن محمد (۱۴۱۵). المكاسب؛ قم؛ کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.

سبحانی، جعفر؛ مفاهیم القرآن فی معالم الحكومة اسلامیة؛ به قلم جعفر الهادی؛ مؤسسه نشر اسلامی؛ قم؛ ج ۲.

شهابی، محمود؛ ادوار فقه؛ تهران؛ دانشگاه تهران؛ ۱۳۵۷؛

شهید ثانی، زین الدین (۱۴۱۳). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام؛ قم؛ مؤسسه المعارف الإسلامیة.

شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه؛ قم؛ دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان؛ بر سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارده‌بشت و خرداو ۱۳۹۳

- شیخ مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳). التذکره بأصول الفقه؛ قم؛ المؤتمر العالمی للافیه الشیخ المفید.
- شیخ مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳). المقنعة؛ قم؛ کنگره جهانی هزاره شیخ مفید - رحمه الله علیه.
- طوسی، ابو جعفر (۱۳۱۷). عده الاصول؛ تدوین محمدباقر اکمل اصفهانی؛ تهران؛ چاپخانه میرزا حبیب الله.
- طوسی، ابو جعفر (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الإمامیة؛ تهران؛ المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
- طوسی، ابو جعفر (۱۳۹۰). الاستبصار فیما اختلف من الأخبار؛ تهران؛ دار الکتب الإسلامیة.
- طوسی، ابو جعفر (۱۴۰۷). الخلاف؛ قم؛ دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طوسی، ابو جعفر (۱۴۰۷). تهذیب الأحکام؛ تهران؛ دار الکتب الإسلامیة.
- علم الهدی، علی بن حسین (۱۳۷۶). الذریعة الی الاصول الشریعة؛ تهران؛ دانشگاه تهران.
- فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶). الوافی؛ اصفهان؛ کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام.
- کاپرا، فریتیوف (۱۳۸۶)؛ پیوندهای پنهان؛ تهران؛ نشر نی.
- کدیور، جمیله (۱۳۷۹)؛ تحول گفتمان سیاسی شیعه در ایران؛ تهران؛ انتشارات طرح نو؛
- کدیور، محسن (۱۳۷۷)؛ نظریه‌های دولت در فقه شیعه؛ تهران؛ نشر نی؛ چاپ دوم؛ کدیور، محسن (۱۳۷۸)؛ حکومت ولایی؛ تهران؛ نشر نی؛ چاپ سوم.
- کلینی، ابو جعفر (۱۴۰۷). الکافی؛ تهران؛ دار الکتب الإسلامیة.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۰). بحار الأنوار؛ لبنان؛ مؤسسة الطبع و النشر.
- مجلسی، محمدباقر؛ مرآة العقول فی شرح اخبار الرسول؛ تحقیق سیدهاشم رسولی؛ تهران؛ ج ۱. محقق حلی، نجم الدین (۱۴۰۸). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام؛ قم؛ مؤسسه اسماعیلیان.
- محقق کرکی، جامع المقاصد فی شرح القواعد؛ قم؛ مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث العربی؛ ج ۹؛ ص ۳۴؛ و ج ۱۲؛ ص ۱۶.
- محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴). جامع المقاصد فی شرح القواعد؛ قم؛ مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اربدبشت و خرداو ۱۳۹۳

محقق کرکی (۱۴۰۹). رسائل المجموعه الاول؛ تحقیق الشیخ محمد المحصون؛ قم؛ مکتبه آیه الله مرعشی؛ ج ۱؛ ص ۱۴۲؛ (۱۳۷۷)  
منتظری، حسینعلی (۱۳۶۲)؛ البدر الزاهر فی صلوة الجمعة والمسافر؛ تقریر مباحث؛ آیت الله بروجردی؛ قم؛ بی جا؛ ص ۵۲-۵۳.

ناظمی اردکانی، مهدی؛ نظام مهندسی فرهنگی؛ شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۱۳۹۱.  
نایینی، شیخ محمدحسین (۱۳۴۴)؛ تنبیه الامه و تنزیه المله (در اساس و اصول مشروطیت یا حکومت از نظر اسلام)؛ مقدمه و توضیحات از آیت الله سید محمود طالقانی؛ تهران؛ بی جا.  
نایینی، شیخ محمدحسین (۱۳۷۸)؛ تنبیه الامه و تنزیه المله؛ بضمیمه مقدمه و پاصفحه و توضیحات بقلم محمود طالقانی؛ تهران؛ شرکت سهامی انتشار.

نجفی، محمدحسن (۱۳۶۷). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام؛ تهران؛ مکتبه الاسلامیه.  
نجفی، کاشف الغطاء (بی تا). کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء؛ اصفهان؛ انتشارات مهدوی  
نراقی، احمد (۱۳۷۵)، عواید الایام؛ تصحیح دفتر تبلیغات اسلامی؛ قم؛ دفتر تحقیقات اسلامی؛ ص ۵۳۰.

نراقی، احمد (۱۴۰۸)، عواید الایام؛ تصحیح دفتر تبلیغات اسلامی؛ قم؛ دفتر تحقیقات اسلامی؛ ص ۱۸۵-۲۰۶.

نراقی، مولی احمد (۱۴۱۵). مستند الشیعة فی احکام الشریعة؛ قم؛ مؤسسه آل البيت علیهم السلام.  
محمد ابراهیم؛ تطور اجتهاد در حوزه استنباط؛ تهران؛ انتشارات امیرکبیر؛ ۱۳۸۶؛ ج اول؛ همدانی، آقا رضا بن محمد (۱۴۱۶). مصباح الفقیه؛ قم؛ مؤسسه الجعفریة لإحياء التراث و مؤسسه النشر الإسلامی.

---

<sup>i</sup>. Knowledge Based Development (K.B.D.)

<sup>ii</sup>. در این باره به تفصیل ن.ک. به همین قلم و رضوانه دستجانی؛ «اندیشه دین شناخت پیشرفت، اندیشه ولایتمد

مدیریت تغییر»؛ دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ ۱۳۹۲.

<sup>iii</sup>. سوره توبه؛ آیه ۱۲۲.

<sup>iv</sup>. سوره جن؛ آیه ۳.

<sup>v</sup>. در این باره به تفصیل ن.ک. به همین قلم و رضوانه دستجانی؛ «اندیشه دین شناخت پیشرفت، اندیشه ولایتمد

مدیریت تغییر»؛ دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ ۱۳۹۲.

# سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

## واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارده‌بشت و خرداو ۱۳۹۳

- vi. بزرگانی مانند علامه محمدرضا حکیمی، آیت الله محمدابراهیم جناتی، علامه شهید مطهری و مانند آن.
- vii. الف و لام در «... الدین»، الف و لام شمول، استغراق و یا جنس است و در هر حال فقه، در تمامیت آموزه‌های دین را مراد دارد.
- viii. ن. ک. جناتی، محمد ابراهیم؛ ادوار فقه و کیفیت بیان آن؛ تهران؛ انتشارات کیهان؛ ۱۳۷۴؛ ص ۳، ۱۶ و نیز اعرافی، علیرضا؛ فقه تربیتی، جلد اول: مبانی و پیش‌فرضها، تحقیق و نگارش سید نقی موسوی؛ قم؛ انتشارات مؤسسه فرهنگی اشراق و عرفان؛ ص ۲۲ تا ۴۰.
- ix. «الإمامة نظام الأمة»؛ تمیمی آمدی، عبدالواحد؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ قم؛ دارالکتاب الاسلامی؛ ۱۴۱۰؛ ۵۸.
- x. در این باره به تفصیل ن. ک. به همین قلم و رضوانه دستجانی؛ «اندیشه دین‌شناخت پیشرفت، اندیشه ولایتمد مدیریت تغییر»؛ دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ ۱۳۹۲.
- xi. سورة توبه؛ آیه ۱۲۲. سورة حدید؛ آیه ۲۵.
- xii. ن. ک. به: - شهایی، محمود؛ ادوار فقه؛ تهران؛ دانشگاه تهران؛ ۱۳۵۷؛ آن هم تنها با اهتمامی به اعلام فقه و تراجم رجال و طبقات فقها و به طور خاص: جناتی، محمد ابراهیم؛ ادوار فقه و کیفیت بیان آن؛ تهران؛ انتشارات کیهان؛ ۱۳۷۴ و نیز فقه و زمان؛ قم؛ نشر احیاگران؛ ۱۳۸۵ و نیز تطور اجتهاد در حوزه استنباط؛ تهران؛ انتشارات امیرکبیر؛ ۱۳۸۶. و نیز سیر تطور فقه اجتهادی در بستر زمان؛ قم؛ انتشارات انصاریان؛ ۱۳۸۹.
- xiii. دلیل دیگر این است که حجیت نهایی در سیستم اندیشه - عمل دینی (فقه در دین) به همین فقه احکام و شدت جریان عبودیت باز می‌گردد. در این باره به زودی سخن خواهیم راند.
- xiv. ن. ک. از جمله به: جناتی، محمد ابراهیم؛ تطور اجتهاد در حوزه استنباط؛ تهران؛ انتشارات امیرکبیر؛ ۱۳۸۶؛ ج اول؛ صص ۹۹ تا ۳۵۰.
- xv. در این باره به تفصیل ن. ک. به: به همین قلم و رضوانه دستجانی؛ «گذر به قرائتی نوین از اگزستانسیالیسم دین‌شناخت»؛ کنفرانس بین‌المللی فلسفه دین؛ ۱۳۹۲.
- xvi. شیخ مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳). المقننه؛ قم؛ کنگره جهانی هزاره شیخ مفید - رحمه الله علیه.
- xvii. کلینی، ابو جعفر (۱۴۰۷). الکافی؛ تهران؛ دار الکتب الإسلامیة.
- xviii. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه؛ قم؛ دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- xix. شیخ مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳). التذکره بأصول الفقه؛ قم؛ الموتر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
- xx. علم الهدی، علی بن حسین (۱۳۷۶). الذریعه الی الاصول الشریعه؛ تهران؛ دانشگاه تهران.
- xxi. طوسی، ابو جعفر (۱۴۰۷). تهذیب الأحکام؛ تهران؛ دار الکتب الإسلامیة.
- xxii. طوسی، ابو جعفر (۱۳۹۰). الاستبصار فیما اختلف من الأخبار؛ تهران؛ دار الکتب الإسلامیة.
- xxiii. طوسی، ابو جعفر (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الإمامیة؛ تهران؛ المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
- xxiv. طوسی، ابو جعفر (۱۳۱۷). عده الاصول؛ تدوین محمدباقر اکمل اصفهانی؛ تهران؛ چاپخانه میرزا حبیب الله.
- xxv. طوسی، ابو جعفر (۱۴۰۷). الخلاف؛ قم؛ دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- xxvi. حلی، ابن ادریس (۱۴۱۰)؛ السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی؛ قم؛ دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- xxvii. محقق حلی، نجم‌الدین (۱۴۰۸). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام؛ قم؛ مؤسسه اسماعیلیان.
- xxviii. محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴). جامع المقاصد فی شرح القواعد؛ قم؛ مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام.
- xxix. شهید ثانی، زین‌الدین (۱۴۱۳). مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام؛ قم؛ مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- xxx. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة؛ قم؛ دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- xxxi. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعة؛ قم؛ مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام.
- xxxii. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶). الوافی؛ اصفهان؛ کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام.
- xxxiii. مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۰). بحار الأنوار؛ لبنان؛ مؤسسه الطبع والنشر.
- xxxiv. نجفی، محمدحسن (۱۳۶۷). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام؛ تهران؛ مکتبه الاسلامیه.
- xxxv. نجفی، کاشف‌الغطاء (بی‌تا). کشف‌الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء؛ اصفهان؛ انتشارات مهدوی.
- xxxvi. نراقی، مولی احمد (۱۴۱۵). مستند الشیعة فی أحكام الشریعة؛ قم؛ مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام.
- xxxvii. دزفولی، مرتضی بن محمد (۱۴۱۵). المکاسب؛ قم؛ کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- xxxviii. همدانی، آقا رضا بن محمد (۱۴۱۶). مصباح الفقیه؛ قم؛ مؤسسه الجعفریة لإحياء التراث و مؤسسه النشر الإسلامی.
- xxxix. خراسانی، آخوند محمد کاظم (۱۴۱۳). اللمعات النيرة فی شرح تكملة التبصرة، قم؛ دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- xl. خراسانی، آخوند محمد کاظم (۱۴۱۵). کفایه الاصول؛ قم؛ انتشارات مؤسسه نشر اسلامی قم.
- xli. حکیم، سید محسن (۱۴۱۶). مستمسک العروة الوثقی؛ قم؛ مؤسسه دارالتفسیر.
- xlii. «... اما امروز با کمال خوشحالی به مناسبت انقلاب اسلامی حرفهای فقهاء و صاحب نظران به رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها کشیده شده است، چرا که نیاز عملی به این بحثها و مسائل است، مثلاً در مساله مالکیت و محدوده آن، در مساله زمین و تقسیم بندی آن، در انفال و ثروتهای عمومی، در مسائل پیچیده پول و ارز و بانکداری، در مالیات، در تجارت داخلی و خارجی، در مزارعه و مضاربه و اجاره و رهن، در حدود و دیات، در قوانین مدنی، در مسائل فرهنگی و برخورد با هنر به معنای اعم، چون عکاسی، نقاشی، مجسمه‌سازی، موسیقی، تئاتر، سینما، خوشنویسی و غیره، در حفظ محیط زیست و سالم‌سازی طبیعت و جلوگیری از قطع درخت‌ها حتی در منازل و املاک اشخاص، در مسائل اطعمه و اشربه، در جلوگیری از موالید در صورت ضرورت و یا تعیین فواصل در موالید، در حل معضلات طبیی همچون پیوند اعضای بدن انسان و غیر به انسانهای دیگر در مساله معادن زیر زمینی و رو زمینی و ملی، تغییر موضوعات حرام و حلال و توسیع و تضییق بعضی از احکام در ازمنه و امکانه مختلف در مسائل حقوقی و حقوق بین‌الملل و تطبیق آن با احکام اسلام، نقش سازنده زن در جامعه اسلامی و نقش تخریبی آن در جوامع فاسد و غیر اسلامی، حدود آزادی فردی و اجتماعی،... چگونگی انجام فرائض در سیر هوایی و فضایی و حرکت بر خلاف جهت حرکت زمین یا موافق آن با سرعت بیش از سرعت آن و یا در صعود مستقیم و خنثی کردن جاذبه زمین و... که همه اینها گوشه‌ای از هزاران مسئله مورد ابتلای مردم و حکومت است... و اگر بعضی از مسائل در زمانهای گذشته مطرح نبوده است و یا موضوع نداشته است، فقهاء امروز باید برای آن فکری بنمایند.» (امام خمینی (۱۳۸۵)؛ صحیفه نور؛ ۲۱؛ ۴۷-۴۶).



# سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

## واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اربدی‌بشت و خرداو ۱۳۹۳

- xliii. نقل از ارزیابی نهایی اعلام نظر مدیریت مطالعات و پژوهشی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، درباره این تحقیق به نگارنده این اثر.
- xliv. «لعلهم یحذرون» سوره توبه؛ آیه ۱۲۲؛ «لیقوم الناس بالقسط» سوره حدید؛ آیه ۲۵.
- xlv. حکیمی، محمد رضا؛ حکیمی، محمد و حکیمی، علی (۱۳۹۱). الحیاه؛ قم؛ دلیل ما.
- xlvi. در مثل انتقال قدرت از رئیس جمهور منتخب آحاد ملت به نخست وزیر منتخب مجلس شورای اسلامی.
- xlvii. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶؛ و نیز ن.ک. نامه ۵۲، خطبه ۲۱۶.
- xlviii. ن.ک. برای مثال به: برجی، یعقوبعلی (۱۳۸۵)؛ ولایت فقیه در اندیشه فقیهان؛ تهران؛ دانشگاه امام صادق؛ کدیور، جمیله (۱۳۷۹)؛ تحول گفتمان سیاسی شیعه در ایران؛ تهران؛ انتشارات طرح نو؛ کدیور، محسن (۱۳۷۷)؛ نظریه‌های دولت در فقه شیعه؛ تهران؛ نشر نی؛ چاپ دوم؛ کدیور، محسن (۱۳۷۸)؛ حکومت ولایی؛ تهران؛ نشر نی؛ چاپ سوم.
- xlix. از جمله در: محقق کرکی (۱۴۰۹). رسائل المجموعه الاول؛ تحقیق الشیخ محمد المحصون؛ قم؛ مکتبه آیه الله مرعشی؛ ج ۱؛ ص ۱۴۲؛ (۱۳۷۷) جامع المقاصد فی شرح القواعد؛ قم؛ مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث العربی؛ ج ۹؛ ص ۳۴؛ و ج ۱۲؛ ص ۱۶.
- <sup>۱</sup> اردبیلی، احمد (۱۳۶۲)؛ مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الازهان؛ قم؛ ج ۱۲؛ ص ۲۸.
- <sup>۱۱</sup> در مثل نراقی، احمد (۱۳۷۵)، عواید الایام؛ تصحیح دفتر تبلیغات اسلامی؛ قم؛ دفتر تحقیقات اسلامی؛ ص ۵۳۰.
- <sup>۱۱۱</sup> در مثل رساله فی صلوٰه الجمعه (از رسایل محقق کرکی)؛ المجموعه الأولى؛ ص ۱۷۲-۱۳۷.
- <sup>۱۱۱۱</sup> در مثل نراقی، احمد (۱۴۰۸)، عواید الایام؛ تصحیح دفتر تبلیغات اسلامی؛ قم؛ دفتر تحقیقات اسلامی؛ ص ۱۸۵-۲۰۶.
- <sup>۱۱۱۱۱</sup> نایینی، شیخ محمدحسین (۱۳۷۸)؛ تنبیه الامه و تنزیه المله؛ بضمیمه مقدمه و پاصفحه و توضیحات بقلم محمود طالقانی؛ تهران؛ شرکت سهامی انتشار.
- <sup>۱۱۱۱۱۱</sup> نایینی، شیخ محمدحسین (۱۳۴۴)؛ تنبیه الامه و تنزیه المله (در اساس و اصول مشروطیت یا حکومت از نظر اسلام)؛ مقدمه و توضیحات از آیت الله سیدمحمود طالقانی؛ تهران؛ بی‌جا.
- <sup>۱۱۱۱۱۱۱</sup> ترکمان، محمد (۱۳۶۲)، رسایل، اعلامیه‌ها، مکتوبات... و روزنامه شیخ شهید فضل الله نوری؛ تهران؛ رسا.
- <sup>۱۱۱۱۱۱۱۱</sup> منتظری، حسینعلی (۱۳۶۲)؛ البدر الزاهر فی صلوٰه الجمعه والمسافر؛ تقریر مباحث؛ آیت‌الله بروجردی؛ قم؛ بی‌جا؛ ص ۵۲-۵۳.
- <sup>۱۱۱۱۱۱۱۱۱</sup> خمینی، روح الله (۱۳۷۳). ولایت فقیه؛ تهران؛ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام ره.
- <sup>۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱</sup> اصل ولایت فقیه مسأله‌ای کلامی است. ولی از همین ولایت فقیه، در علم فقه نیز بحث می‌شود تا لوازم آن حکم کلامی، در پایدها و نبایدهای فقهی روشن شود. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). ولایت فقیه - ولایت فقاهت و عدالت؛ قم؛ مرکز نشر اسراء.
- <sup>۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱</sup> مجلسی، محمدباقر؛ مرآة العقول فی شرح اخبار الرسول؛ تحقیق سیدهاشم رسولی؛ تهران؛ ج ۱؛ ص ۱۴۹ و ۱۵۰، ۲۲۱-۲۲۷ و ج ۲۴، ص ۲۷۴ و ۲۷۵.
- <sup>۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱</sup> آذری قمی، احمد (۱۳۷۲)؛ پرسش و پاسخ‌های مذهبی سیاسی و اجتماعی؛ قم؛ دارالعلم؛ ص ۲۰۵.
- <sup>۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱</sup> خمینی، روح الله (۱۳۶۹). صحیفه نور؛ تهران؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ ج ۲۰؛ ص ۱۷۰.

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارده‌بشت و خرداو ۱۳۹۳

lxiii. ترکمان، محمد (۱۳۶۲)، رسایل، اعلامیه‌ها، مکتوبات... و روزنامه‌ی شیخ شهید فضل الله نوری؛ تهران؛ رسا. ج ۱، ص ۱۰۱-۱۱۴.

lxiv. سبحانی، جعفر؛ مفاهیم القرآن فی معالم الحکومه اسلامیة؛ به قلم جعفر الهادی؛ موسسه نشر اسلامی؛ قم؛ ج ۲.  
lxv. الحسینی، محمد (۱۴۱۰). الامام الشهدید السید محمد باقر الصدر؛ دراسة فی سیرته و منهجه؛ بیروت؛ دارالفرار؛ ۳۳۵-۳۵۹.

lxvi. حائری یزدی، مرتضی؛ ابتغاء الفضيلة فی شرح الوسيلة؛ الجزء الاول فی مکاسب المحرمة؛ قم؛ مکتبه الطباطبایی.  
lxvii. بروجردی، سید محمد حسین؛ البدر الزاهر فی صلوة الجمعة؛ قم؛ مکتب آیه الله العظمی المنتظری؛ ص ۵۲؛ خمینی، روح الله (۱۳۸۱)؛ تهذیب الأصول؛ تقریر آیت الله سبحانی؛ تهران؛ موسسه تنظیم و نشر آثار امام ره.

lxviii. در این باره به تفصیل ن. ک. به همین قلم و رضوانه دستجانی؛ «اندیشه‌ی دین‌شناخت پیشرفت، اندیشه‌ی ولایتمند مدیریت تغییر»؛ دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ ۱۳۹۲.

lxix. در این باره به تفصیل ن. ک. به همین قلم و رضوانه دستجانی؛ «اندیشه‌ی دین‌شناخت پیشرفت، اندیشه‌ی ولایتمند مدیریت تغییر»؛ دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ ۱۳۹۲.

lxx. Authority

lxxi- Authority Charismatic

lxxii. لحاظ عبارت «مکاسب محرمة»، با نظر خاص بوده است و نظر به تنها آرای شیخ انصاری رحمه الله نیز نبوده است و توجه انتقادی به رویکرد عنصر گرایی در وجه ایجابی نظریه ولایت فقیه (در امور حسیه و ماندان) و تحلیل انتقادی رویکرد سلبی در تبیین ماهیت حاکمیت دینی (در مثل موسیقی و هنر) بوده است.

lxxiii. ن. ک. از جمله به: کاپرا، فریتویف (۱۳۸۶)؛ پیوندهای پنهان؛ تهران؛ نشر نی.

lxxiv. ن. ک. به: ناظمی اردکانی، مهدی؛ نظام مهندسی فرهنگی؛ شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۱۳۹۱.